

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برگزار شد

مروری بر جنبش آزادیخواهان زنان در ایران:
از گذشته تا حال، از مقاومت تا رهبری

صفحه ۵

هاله طاهری



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۷ ژانویه ۲۰۲۳

کمپین شکست خورده رضا پهلوی و عکس العمل
نیروهای اپوزیسیون

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

"اصالت خاک" یا اصالت انسان؟

سخنرانی در سمینار "ایران کجاست، ایرانی کیست"؟

صفحه ۹

سیاوش دانشور

تجمع اعتراضی اتحادیه ای در همبستگی با جنبش کارگری ایران

بحران ایدولوژیک

پ ك ك و اقمارش

جمال کمانگر

در حاشیه افتضاح

#وکالت_میدهم

سیاوش دانشور

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

قطعه نامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست در باره؛

خیزش انقلابی جاری و نقش

محوری طبقه کارگر در

جدال بر سر قدرت سیاسی

۱. جامعه ایران وارد یک دوره انقلابی شده است. مهمترین مشخصه و سوال محوری دوره انقلابی، تشدید جدال سیاسی و کشمکش طبقاتی بر سر قدرت سیاسی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در تحولات جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی، سازماندهی انقلاب کارگری، کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت کارگری مبارزه می کند.

۲. خیزش انقلابی جاری جنبش توده ای سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی حلقه ای از انقلاب کارگری و سوسیالیستی در ایران و یک سکوی خیزشهای انقلابی و توده ای در کشورهای اسلام زده و استبدادی در منطقه است. ماهیت حرکت انقلابی جاری در ایران ملی و قومی و مذهبی نیست، خصلتی جهانی و مدرنیستی و آزادیخواهانه و ضد تبعیض دارد. انسانگرایی و برابری طلبی قوی این جنبش خصلت سوسیالیستی آنست.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست در باره؛

خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی ...

۳. جنبش سرنگونی و خروش انقلابی جاری یک رادیکالیسم اجتماعی چپ را نمایندگی میکند. جنبشی بشدت زنانه، با نقش مبتکرانه نسل جوان پیشرو، ضد تمامیت جمهوری اسلامی و ضد مذهب، با پتانسیل بالای ضد کاپیتالیستی است. این واقعیت رسانه ها و نیروهای سیاسی راست را هراسان کرده و با تبیین وارونه خود از تحولات ایران با عناوینی مانند؛ "انقلاب ملی ایران"، "انقلاب دمکراتیک ایران" و "انقلاب فمینیستی" نام میبرند. این عناوین وارونه هیچکدام کاراکتر اجتماعی جنبش سرنگونی و انقلابی را منعکس نمی کنند و تلاشهایی برای مسخ و مهار این جنبش اند. بدون تردید انقلابی در راه است، انقلاب کارگری که چشم انداز تحقق آن منشأ امید طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه و مایه هراس بورژوازی جهانی و محلی است.

۷. جنبش انقلابی متکی به درجه ای از سازماندهی و رهبری در مقیاس محلی، تاکنون پیشروی نموده است، اما ادامه پیشروی موثرتر در گرو سازمانیابی بیشتر شبکه ها و ارگانهای انقلابی در محلات و مراکز کار، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، میان جنبشهای اجتماعی رادیکال و مهمتر تامین رهبری سراسری است. برای تامین رهبری سراسری و تضمین پیروزی خیزش انقلابی باید طبقه کارگر سوسیالیست ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرد. سیاست حزب کمونیست رفع موانع و محدودیتهای سد راه طبقه کارگر و تقویت شبکه های متحد رهبران و فعالین کارگری پیشرو و ایجاد سازمانهای توده ای و حزبی کارگران برای دخالت موثر در پروسه انقلابی است.

۸. حزب کمونیست کارگری - کمونیست بر اهمیت سازماندهی یک جنبش مجمع عمومی در کارگاهها و واحدهای تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در فقدان هر نوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تامین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش اعتراضی کارگران است. مجمع عمومی ادامه کارترین و موثرترین شیوه سازماندهی توده ای کارگران در شرایط کنونی و یک پیش شرط قدعلم کردن یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند در تحولات جاری است.

۹. یک رکن سیاست حزب کمونیست کارگری- کمونیست در جنبش سرنگونی و انقلابی جاری در ایران علیه رژیم اسلامی، تفکیک و جدا کردن کارگران و مردم زحمتکش از هر آلترناتیو و افق و سیاست راست و بورژوازی، افشای نقطه سازشهای اپوزیسیون راست، سوق دادن جنبش سرنگونی به سمت موضعی چپ و انقلابی و نه گفتن مردم به کلیت رژیم، دستگاه سرکوب و استثمار و تبعیض و نابرابری است. نباید گذاشت جنبشهای طبقات دارا دوباره سرنوشت جامعه را تعیین کنند. تضمین اینکه اینبار پیروز شویم، در گرو دخالت موثر

۴. یک مشخصه مهم خیزش انقلابی زنانه در ایران ضد مذهبی بودن آنست. برای اولین بار در تاریخ افق یک رنسانس ضد اسلامی پدیدار شده است که نه فقط میتواند سیمای خاورمیانه را تغییر دهد، بلکه صورت مسئله اسلام سیاسی را در جهان عوض میکند. حجاب سوزان، طناب دار سوزان، اعلام بیزاری از دین و آئین اسلام و آخوند بعنوان سمبل جاهلیت، بارقه های یک موج برگشت قوی آنتی اسلامیستی است. در صحنه سیاست ایران تنها نماینده پرشور این آنتی اسلامیسیم جنبش کمونیستی کارگری است.

۵. تشدید بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رژیم، برآمدهای توده ای و انزجار وسیع از جمهوری اسلامی، اضمحلال و سرنگونی رژیم را بیش از هر زمان به یک امر ممکن و در دسترس تبدیل کرده است. در پنجمین ماه خیزش انقلابی سراسری، علیرغم سرکوب خشن، جامعه امیدوار ایران بسان کوه آتشفشان زبانه می کشد و مساله آینده و قدرت سیاسی را در مقابل کارگر و کمونیسم قرار داده است. یک فرصت تاریخی فراهم شده است تا طبقه کارگر و کمونیسم کارگری بتواند در راس جنبش برای آزادی و برابری، برای رهایی زن، برای نفی فقر و فلاکت، برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی قرن بیست و یکمی شود.

۶. خروش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، دنیائی از اتحاد مبارزاتی و ابتکار سیاسی و فرهنگی ببار آورده است. مهمترین دستاوردهای چهار ماه خیزش انقلابی عبارتند از: تحمیل عقب نشینی به حکومت و کنار انداختن حجاب در سطح وسیع، استمرار و سراسری بودن جنبش، خسته کردن و ریزش از درون نیروی سرکوب، بی اعتبار کردن نمادهای

قطعنامه دفتر سیاسی حزب حکمتیست در باره؛

خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه

کارگر در جدال بر سر قدرت سیاسی ...

کارگر و کمونیسٹ سازمانیافته و متحزب است.

۱۰. حزب کمونیسٹ کارگری - حکمتیست بر حساسیت شرایط تاریخی کنونی و رفع موانع حضور متشکل طبقه کارگر و کارگران کمونیسٹ در صف اول جدالهای پیش رو تاکید دارد. دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت فرا رسیده است. تحولات امروز ایران فقط بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. حزب کمونیسٹ کارگری - حکمتیست بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسٹ کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسٹ بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری و حکومت کارگری در ایران فراهم شده است تاکید میکند. ما رهبران کارگری رادیکال و کمونیستها و آزادیخواهان را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمونیسٹ کارگری ایران - حکمتیست فرامیخوانیم!

مصوب اجلاس دفتر سیاسی باتفاق آرا

۲ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳

بحران ایدولوژیک پ ک و امارش



جمال کمانگر

آمد شاهیو عضو رهبری حزب حیات آزاد کردستان- پژاک در مصاحبه ای در تلویزیون این جریان به اسم "آرین" که نسخه چاپی آن در "خبرگزاری فرات" وابسته به اعمار پ ک کا منتشر شده است، گفت: "هدف بنیادین اسلام،

نجات بشریت است. نجات انسانیت از بردگی و جهالت است. اما نیروهای صاحب قدرت میخواهند اسلام را برای اهداف کثیفشان به کار ببرند و انسانیت را برده و زیر دست قرار دهند. انسانیت را در نادانی نگه میدارند! انسانهای که به دنبال آزادی و آگاهی هستند را دستگیر و مجازات و میکشند! بازگشت به راه و اهداف و هسته و گوهر اسلام که خود دمکراتیک است، باعث جلوگیری از کشمکش در خاورمیانه و جهان خواهد شد. کردها که با دل و جان از اسلام دفاع میکنند صاحب راستین و گوهر اسلام هستند!" (ترجمه از متن کردی).

ایدئولوژیهای اسلامی در خاورمیانه جرات ندارند این چنین بر حقانیت اسلام تاکید کنند! در ایران ۴۴ سال است که یک رنسانس ضد اسلامی در حال ریشه دواندن است که به دنبال قتل #مهسا امینی توسط گشت بدنام ارشاد اسلامی در پنج ماه اخیر، و در جریان خیزش انقلابی ما شاهد عروج بخشهای از رادیکالیسم آن هستیم!

این بار رهبری حزب کارگران کردستان "پ ک ک" روی اسب بازنده اسلام در ایران، ترکیه، سوریه و عراق شرط بندی کرده است! رهبری حزب کارگران کردستان ترکیه و اعمارش در یک بن بست ایدولوژیک قرار گرفته اند. ستاره اقبال آنها در کردستان سوریه با نشست اخیر وزیران دفاع روسیه، ترکیه و سوریه در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۲ در مسکو بدون حضور رژیم اسلامی برگزار شد، رو به افول است! رژیم فاشیست اسلامی به عنوان سرکرده "محور مقاومت" و "هلال شیعه" در خاورمیانه که "پ ک ک" بخشی از آن است، در سرراشویی سقوط قرار گرفته است. آویزان شدن بیشتر پژاک به اسلام در این برهه از زمان را باید در این متن دید! فقط یک قلم از دست آوردهای اسلام برای بشریت آبارتاید جنسی بر نیمی از جوامع بشری است. این جریان باید در مقابل هزاران دختر ایزدی که توسط سربازان خلیفه اسلام البغدادی مورد تجاوز جنسی و هتک حرمت و بردگی جنسی قرار گرفتند سرافکنده باشند!

۲۶ ژانویه ۲۰۲۳

به حزب کمونیسٹ کارگری ایران -

حکمتیست کمک مالی کنید!

توماج صالحی

«بدونید که من از مرگ و حبس و شکنجه نمی ترسم، ترس من از اینه که تن فروشی از فقر ببینم و خفه شم، مردم رو تا کمر تو سطل آشغال ببینم و خفه شم، ببینم کارگر رو می زنی خفه شم، معترض رو میکشی بعد داغدارش رو حق خواهی رو شکنجه میکنی و خفه شم... بین ما و شما دریای خونه...»

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست برگزار شد

روزهای شنبه و یکشنبه ۱ و ۲ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۲۱ و ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳ جلسه حضوری دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی برگزار شد. در این نشست رفقا نادر شریفی دبیر تشکیلات خارج حزب و ابراهیم باتمانی عضو کمیته سازمانده حضور داشتند. روز جمعه ۲۰ ژانویه کمیته سازمانده حزب جلسه حضوری خود را برگزار کرد.

دستور جلسه مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش و ارزیابی ۲- جمعبندی از جنبش سرنگونی و خیزش انقلابی و نقش محوری طبقه کارگر در جدال قدرت سیاسی در ایران ۳- رهبری کمونیستی در جنبش سرنگونی و تحول انقلابی جاری و نقش حزب حکمتیست ۴- تدارک پلنوم ۴۷ حزب ۵- موقعیت جنبش کارگری در شرایط کنونی و موانع پیش رو ۶- در باره لزوم ایجاد یک قطب چپ در خارج کشور ۷- قرار و قطعنامه ۸- انتخابات.

در بحث گزارش سیاستها و اقدامات حزب، سیاوش دانشور رئیس دفتر سیاسی و همایون گدازگر دبیر اجرائی حزب و رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری، نادر شریفی به ترتیب دبیران کمیته های سازمانده، کردستان و خارج، رفقا ملکه عزتی و سعید یگانه مسئولین مالی گزارش فعالیت ارگان تحت مسئولیت شان را به نشست دفتر سیاسی ارائه کردند. گزارش سیاسی و تشکیلاتی شامل دوره بعد از کنگره دهم و تمرکز حزب روی جنبش سرنگونی و خیزش انقلابی، تصمیمات و اقدامات و فراخوانهای حزب، نحوه و سطح دخالت حزب در داخل و خارج، اقدامات تشکیلاتی و پروژه های حزب بعد از کنگره، همکاری با نیروهای چپ و کمونیست در سطح سراسری و در کردستان بود. در بحث ارزیابی سیاسی، نشست دفتر سیاسی بر سیاستها و خط مشی روشن حزب در برخورد به دوره انقلابی، انطباق بیش از هر زمان جهت سیاسی اعتراض توده ای و کارگری با سیاستهای کمونیستی و رادیکال حزب، امکانات و محدودیتها تاکید کرد. همزمان برای رفع کمبودهایی مانند حضور سازمانیافته و گسترده تر حزب در داخل و خارج، حرفه ای کردن تبلیغات کتبی و شفاهی در تلویزیون و سوشیال میدیا، تامین نیازهای آموزشی و حزبی، رفع موانع عدم تناسب رشد حزب و امکانات مالی با فضای سیاسی و انقلابی، تحکیم حزبیت، بالا بردن انتظار از رهبری و کادرها و تشکیلات ها برای پاسخگویی به نیازها، ایجاد تغییرات ضروری و تشکیلاتی از جمله نکات بحث پیرامون گزارش و ارزیابی بودند.

بحث "جمعبندی از جنبش سرنگونی و خیزش انقلابی در ایران" سند پیشنهادی داشت که توسط کمیسیون مرکب از رفقا سیاوش دانشور و جمال کمانگر و رحمان حسین زاده و عبدالله دارابی تهیه و به جلسه معرفی شد. در بحث پیرامون سند تغییرات و اصلاحاتی پیشنهاد شد و مورد توافق قرار گرفت. کلیت سند با خطوط اصلاحات وارده به اتفاق آراء تصویب شد. متن نهایی این سند در همین شماره کمونیست منتشر شده است.

در دستور تدارک پلنوم که با حضور دبیر کمیته مرکزی رفیق پروین کابلی مورد بررسی قرار گرفت، گزارشی از کارهای اجرائی انجام شده توسط مسئولین ارائه و نکات ضرور اجرائی و سیاسی مطرح و برای آن تصمیمات لازم اتخاذ شد.

"رهبری کمونیستی در جنبش سرنگونی و تحول انقلابی جاری و نقش حزب حکمتیست" دستور بعدی نشست دفتر سیاسی بود که توسط رفیق رحمان حسین زاده ارائه شد. در این دستور بر کمبودها و نیازهای حزب در این تحولات، ایجاد تغییرات لازم در رهبری و نوع کار و تامین نیازهای سیاسی و پراتیکی رهبری انقلابی در اوضاع انقلابی محور این بحث بود. جلسه ضمن هم جتهی عمومی با خطوط عمده این موضوع، در مورد جوانب این بحث به تبادل نظر پرداخت. استنتاجات پراتیکی تر این مبحث به اجلاس حزبی و از جمله پلنوم کمیته مرکزی که در آینده نزدیک برگزار میشود، واگذار شد.

دستورهای "موقعیت جنبش کارگری در شرایط کنونی و موانع پیش رو" و "در باره لزوم ایجاد یک قطب چپ در خارج کشور" بدلیل کمبود وقت به جلسات نتهی دفتر سیاسی موکول شد.

در بحث قرارها دو قرار داخلی و اجرائی به تصویب رسید.

دستور آخر جلسه دفتر سیاسی انتخابات بود. ابتدا سیاوش دانشور به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. در انتخابات هیئت اجرائی رفقا رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، صالح سرداری، سعید یگانه و همایون گدازگر به عنوان اعضای هیئت اجرائی دفتر سیاسی انتخاب شدند. سپس رفیق همایون گدازگر باتفاق آرای اعضای هیئت اجرائی بعنوان دبیر اجرائی حزب انتخاب شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۶ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



اشکال اجتماعی هم فعالیت‌های گسترده ای دارد. دارای گرایش‌های متفاوتی از راست افراطی تا سوسیالیسم است. در سطح جهانی، در عصر سرمایه‌داری روی وجود و عملکردهای فکری و نظری آنها حساب می‌شود. افت و خیزهای سیاسی و تاریخی خود را دارد. پدیده ایست که بخاطر دفاع از حقوق زنان در میان گرایش‌های اجتماعی

خوشنام و قابل پشتیبانی است. بسیاری مواقع موی دماغ دولتهای در قدرت می‌گردد و خیلی جاها هم سر میز مذاکره براحتی با سران حکومتی معامله می‌کند. بشدت همه پسند بویژه در میان اقشار متوسط، بالا، آکادمیک و کارشناسان تاریخی است. بسیار انعطاف پذیر و در عین حال می‌تواند طغیانگر و قهرمان گردد.

گرایش‌های فمینیستی نوع ایرانی، از لیبرال شرق زده تا لیبرال پروغریبی هم در دهه هشتاد بشکل سازمان یافته و دارای سخنگو رشد کردند. در کنار گرایش‌های اجتماعی-سیاسی در جنبش زنان، اغلب فمینیست‌ها (منهای بخشی که اسم بی مثمای "فمینیست‌های اسلامی" را بر خود گذاشتند که مستقیماً از کوزه مجلس آب داده می‌شدند) مورد تهاجم جمهوری اسلامی بوده چرا که هر ندای زنانه در این رژیم دشمن اسلام محسوب می‌گردید. اما دیری نپایید که راه‌هایی برای فعالیت قابل هضم با بخشی از مجلس و نمایندگان پیدا شد و بخشی از این فمینیست‌ها رسماً به دامن جناحی از رژیم یعنی خاتمی و اصلاح طلبان غلتیدند. کنفرانس و دیدار و گفتگوهای مجلسی بالا گرفت. دعوت نامه از داخل به خارج، از خارج به داخل برای دعوت همفکران در اروپا و امریکا متداول شد. مسابقه گرفتن جوایز از مراکز فمینیستی و دولتهای اروپایی و استقبال از حرکت لیبرال-فمینیست‌ها و بخش اسلام زده بیوقفه رونق گرفت. تومارنویسی و لابیگری با مجلس برسر کنار آمدن با رژیم و قابل هضم کردن قانون اساسی بشدت مد شد. نفس اینکه همه به تکاپو افتاده بودند که وضعیت فلاکت بار زنان در رژیم اسلامی را منعکس کنند در خود هیچ اشکالی نداشت، اما خاک پاشیدن به مبارزات واقعی زنان و تقلیل دادن خواسته‌های زنان برای راهی، توجیه و واسطه‌گری بین یک رژیم بشدت زن ستیز و مقبولیت دادن به اعمال آن دیگر هیچ توجیهی نمی‌پذیرد و قابل بخشش نیست. برای نمونه، قطعنامه‌های رادیکال جنبش آزادی زن از خشونت عریان رژیم، از فقر اقتصادی، از بی‌امنیتی و بردگی زنان میگفت، جبهه مقابل از نوع شیرین عبادی و مهرانگیر کار در تب تئوری نسبیت فرهنگی سوخته بود و هزیان آشتی حقوق بشر و اسلام را فریاد می‌زدند. تمام مبارزات زنان علیه حجاب در اواخر دهه هشتاد و دهه نود، هشت مارسها در سنج و تهران، کارهای خلاف جریان جوانان علیه آپارتاید و جداسازی جنسی و حرکات "حجاب-بی-حجاب" از نظر گرایش راست و اصلاح طلب حرکتی آنارشستی، زیاده روی و تخریب اعتراضات مخملی و مدنی تلقی می‌شد. میگفتند که مشکل زنان در

صفحه ۶

مروری بر جنبش آزادیخواهان زنان در ایران:

از گذشته تا حال، از مقاومت تا رهبری

بخش دوم و پایانی ...

هاله طاهری

جنبش فمینیستی و مسئله برابری اقتصادی- حقوقی زنان

یک دهه و نیم پیش سلسله اعتراضات خیابانی زنان تکانی ناگهانی به جهان داد و وسعت آن به مناطق زیادی از امریکا تا آسیا و استرالیا و سراسر اروپا کشیده شد. سال ۲۰۰۸ تظاهراتهای گسترده زنان در اسپانیا، ایتالیا، شیلی، برزیل، آرژانتین، شمال امریکا، هند، پاکستان، افغانستان، آسیای جنوبی و بخشهایی از آفریقا تا خاورمیانه در روز جهانی زن با خواست مبارزه با بی عدالتی و تبعیض و مبارزه برای برابری اقتصادی فضای افسرده و سکوت محافل "زنانه" و فمینیستی و تشکلهایشان را شکست. در آن روزهای پرشور زنان در حالی که شعارهای متعددی از خواستههای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را مطرح میکردند فریاد می‌زدند "ایناف ایز ایناف!" (کافیس!) و عده هر ساله سازمان بین الملل، تعهدات پوشالی دولتهای وقت در رابطه با بهبود وضع زنان نه تنها هیچ فرقی نکرده بود بلکه بطرز غیرباوری سلامت و امنیت زنان را بخاطر انداخته و خشونت خانگی وسیعاً افزایش یافت. نتیجه اقتصاد بازار آزاد و گردش میلیونی سرمایه، جنگهای پی-درپی و آوارگی میلیونی مردم، اذیت و آزار سیستماتیک، قدرتگیری ارتجاع مذهبی از نوع اسلام در بخش‌هایی از جهان از جمله خاورمیانه و آفریقا و بخشی از آسیا، قبل از هر چیز موقعیت زن را به خطر نابودی کشانده بود. فقر، بیکاری و راندن آنها به خانه داری، عدم بهداشت و تحمیل بردگی جنسی و زنده شدن احکام قرون وسطایی همه بر سر زنان خراب شد. این بود که زنان صبرشان لبریز و چاره کار را به اعتراضات خیابانی کشانند. فمینیست‌های وقت همان موقع نام این حرکت‌های خودجوش زنان را جنبش "فمینیست‌های اعتصابی" نامیدند.

نانسی فریزر، سوسیالیست-فمینیست آمریکایی به اتفاق چند فمینیست دیگر در یک اثر به نام "مانیفست فمینیست اعتصابی" در سال ۲۰۱۹ و به تأثیر از مجموعه حرکت‌های خودجوش زنان نوشتند که: "مبارزه یک فرصت و یک مدرسه است، می‌تواند آن افرادی را که در آن مشارکت دارند، متحول سازد، می‌تواند فهم پیشین ما از خودمان را دچار چالش کند و نگاه ما نسبت به جهان را تغییر دهد." و باز هم در جایی دیگر اشاره میکنند که "مبارزات زنان نمی‌تواند تنها یک شکل از خشونت را بدون منع اشکال دیگر متوقف کند. در چنین شرایطی، بیانیه‌های انتزاعی خواهرانگی جهانی غیرسازنده و بی‌بهره‌اند." در بخش‌های دیگری از این مانیفست بطور مشخص به همبستگی با مبارزات کارگری اشاره میشود که نزدیکی این دو جنبش زنان و کارگری را امری ضروری فرض می‌گیرند.

فمینیسم گرایش فکری جنبش جنسیتی زنان است اما در عین حال در

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مروری بر جنبش آزادیخواهان زنان در ایران:

از گذشته تا حال، از مقاومت تا رهبری ...

جامعه حجاب نیست. یا اینکه قانون اساسی، بویژه بخش قانون خانواده قابل اصلاح است.

ناسیونالیسم و مسئله آزادی زن

بگذار قدری به عقب برگردیم و تاریخ بخشی از اعتراضات زنان در کشورهای نزدیک را نگاهی بیاندازیم. در تمام جنبشهای استقلال طلبانه در دهه پنجاه میلادی از جمله مصر، تونس، مراکش و الجزیره زنان نقش بسزایی در بشمر رساندن استقلال از غرب داشتند اما سهم آنها بلافاصله بعد از پیروزی خانه نشینی و پرورش کودکان و احیای قانون خانواده بود. احزاب ناسیونالیست در طول جنگ زنان را قهرمان و شیرزن میخواندند و در پایان کار به نیروهای اسلامی فرصت میدادند که علیه زنان تبلیغات شرم آوری در مساجد راه بیاندازند. میگفتند زنان باید از مدلهای غربی فاصله بگیرند چون جامعه ما اسلامیست. فعالین زن را متهم به آشوبگری میکردند و آنها را حتی زندانی و بدنام شان کردند.

برای نمونه، در اوایل دهه پنجاه میلادی جنبش استقلال طلب الجزیره وسیعا از جانب زنان و تشکلهایشان پشتیبانی شد و مقاومت و زحمات آنها در دید همگان بود. اینکه چطور شد که زنان در آن شرایط دارای تشکلهایی بودند برمیگردد به دوران استعماری و تاثیر تمدن غرب. در این دوره نیروی وسیعی از زنان به تحصیل گرویدند و بخش تحصیل کرده ها برای خود تشکلهایی ایجاد کردند که به آگاهگری زنان میپرداختند. مشارکت زنان در به پیروزی رسیدن چشمگیر بود و حرکاتی سیاسی برای کسب آزادیهای خود بشدت جای نگرانی برای جبهه آزادیبخش و نیروهای اسلامی بود. بلافاصله بعد از پیروزی نیروهای ائتلافی بقدرت رسیده اعلام کردند که "خواهران درگیر در جنبش بهتر است به خانه هایشان برگردند. آنجا برای آنها امن تر است". همان زمان فعالین زن برای داشتن حق رای مبارزه میکردند و علیرغم مقاومت شدید جریانات در قدرت در مقابلشان این خواست را به کرسی نشاندند. زنان همچنین خواستهایی در رابطه با قانون خانواده و دستمزد برابر و بهبود شرایط کار را برای زنان کارکن خواهان بودند که اینجا بود رسماً جلو آنها گرفته شد و فعالین زنان مورد تهاجم قرار گرفتند. آنها زنان را متهم میکردند که از فرط غرب زدگی در دوران استعمار فراموش کرده اند که این رفتارهای غربی مناسب کشور ما نیست و آنها را متهم به خودخواهی میکردند. به این صورت دهه ها بعد زنان در الجزیره تحت حاکمیت دولتهای ناسیونالیستی و مذهبی حقوقشان پایمال شد. سرنوشت مبارزات زنان در مصر در دوران استقلال و با وجود مبارزات وسیع زنان چند برابر دراماتیک تر و خشونت بارتر از الجزیره از آب درآمد.

تاریخ ناسیونالیسم و مذهب همواره در کنار هم ایستاده اند. اگر هم در تقابل افتاده باشند مصلحت و یا بازی قدرت است. چه نیرویی بهتر از دینی که بر پایه جهل جامعه ای استوار و سنگسار انسانی را در ملا عام

رسم میکند، همجنسگرایان را از جامعه بشری طرد و مجازات سنگین بر آنها میندند، نیمی از جامعه را که زنانه برده آن نیم دیگر میکند، با خرافه عبادت نان سر سفره مردم را بین مساجد و دولت تقسیم می کند، طبقه ای چون کارگران ثروت آفرین را گرسنه و در منجلاب فقر و بی حقوقی زنجیر میکند، ذهن خلاق و پیشرو یک جامعه را زندانی و خرواری از اراجیف خرافه را به جامعه تحویل میدهد. صنعت دین نیاز جامعه سرمایه داری و ناسیونالیسم است و باید حفظ گردد.

در ایران بارها قدرت در میان جریانات اسلامی و ناسیونالیستها و ملی گراها دست به دست شده و درعین حال سپر حفاظتی همدیگر هم بوده اند. نمونه بارز آن حکومت رضا شاه و بعد پسرش بود که با پول نفت و بر کرده زحمت طبقه کارگر جشنهای دو هزار و پانصد ساله بی پایه و اساس را برپا کرد. بعد که نوبت رژیم اسلامی رسید زیر پای سلطنت خالی و اسلام سیاسی برای بیش از چهار دهه به جهان عرضه شد. حال که فضای اعتراضات بشدت ضد مذهبیست سناریوهای زنده شدن ناسیونالیسم و پان ایرانیسم (در خارج کشور) به خیال خود آماده تحویل قدرت است. شوالیه های پوشالی و ناشناخته براه افتاده اند و میگویند "خاک شان را پس می گیرند". اسم رمز زنان مبارز در ادبیات آنها زنان "ساسان" و "کاوه آهنگر" شده اند. در مقابل "زن، زندگی، آزادی" "مرد، میهن، آبادی" را سرزبانها انداخته اند. با تجربه ای که از تاریخ خودشان دارند به عربده کشی علیه فعالین چپ و کمونیست و اعتراضات آزادیخواهان دست میزنند. از هیچ عملی شرم ندارند. در پی غریزه سرسپردگی دروازه های پارلمان امریکا و اروپا را چسبیده اند که جا نمانند. تاریخ ناسیونالیستها از نوادگان اسلام در ایران بوده اند و هنوز هم هستند. امروز اگر ژست دمکرات میگیرند و کلمات سکولار بر زبان میاورند از جنبش عمومه پرانی جوانان و حجاب سوزانی زنان حساب میبرند. اگر این تظاهر به مدرنیته را انجام ندهند همین جنبشهای حاضر در خیابانها سیاهشان خواهند کرد. اینکه سعی میکنند با کشاندن بازی قدرت چند شخصیت سلبرتی زن هم وارد لیست "دولت در تبعید" خود کنند بخاطر حضور جنبش قوی ست که از جنس آنها نیست اما حذف شدنی هم نیست.

جنبش زنان در ایران هم جدال های زیادی در طول تاریخ با اسلام و ناسیونالیسم داشته اند. فضای گمراه کننده نویسندگان و شخصیتهای سیاسی، از نیروهای اسلامی تا ملی اسلامی هائی امثال آل احمدها طی یک دوره طولانی بر فعالیتها و جنبشهای اجتماعی سایه انداخته بود. آل احمد آشکارا چادر اسلامی- سنتی را برای زنان ایران واجب اما برای خودش توالف فرنگی را ترجیح میداد. در زمان پهلوی ها برای جلب رونق بازار و کسب و کار و کم رنگ کردن تصویر روستایی ایران، اما سرشار از منابع طبیعی چون نفت اقداماتی صورت گرفت. سفر شاه بهما خانواده به کشورهای اروپایی، مدرنیته کردن دربار، و در آخر مدارس دخترانه و چند سازمان وابسته به خود دربار در خصوص مسائل زنان را اینروزها شاهی ها مدام به رخ مردم ایران میکشند. مسئله کشف حجاب رضا شاه و بعدها بازگشایی مدارس و تحصیل و کار برای بخش محدودی زیر کنترل دو دولت شدیداً پلیسی پهلوی ها با پرونده هزاران زندانی سیاسی، شکنجه و اعدام و سربه نیست کردن مخالفین بسیار زیادند. "خدا، شاه، میهن" و دادن قدرت به مساجد و آیت الله هایی که تحصیلاتشان را در بزرگترین مدارس اسلامی جهان عرب به پایان رسانده و برای ارشاد مردم مأموریت داشتند هم از

برابری زنان در کردستان به یمن همسویی آرمانخواهانه با کمونیستها و جنبش کارگری در جامعه کردستان وزنه مهمی ست که ناسیونالیستهای کرد نه میتوانند برآحتی آنها را حذف و نه به سلطه خود درآورند.

سخن کوتاه، مبارزات زنان برای رسیدن به آزادی و برابری شرقی، غربی ندارد. کرد و فارس و بلوچ ندارد. متعلق به هیچ قوم خاصی نیست. جنبشها و جریانات سیاسی و احزاب میتوانند پشتیبان اعتراضات زنان باشند ولی حق قیم شدن بر زنان و مبارزاتشان را ندارند. سخنگوی زنان نیستند، زنان خود بهترین سخنگویان همین جنبش همگانی هستند. کسی حق ندارد به جایشان تصمیم بگیرد. زنان با فعالیتهای درخشان و رادیکالشان که طی چهار دهه کسب کرده اند توانایی سازمان دادن و برنامه ریزی برای رسیدن به رهایی کامل آزادی و برابری در کنار جنبشهای همسو و نظیر خود در حال مبارزه هستند. لطفا کسی صندلی برای زنان سلبرتی صادراتی از خارج رزرو نکند. رهبران زنان محله محور و در سنگرهای خیابانی از جایگاه و موقعیت خود آگاهند و بوقت خود برسر میز مذاکره برای خواستهای برحق خود و نه فقط خواستها بلکه بر سر اداره جامعه خواهند نشست.

جنبش آزادی زن در ایران چشم و چراغ نه تنها مردم ایران بلکه امیدبخش جنبش آزادی زن در بسیاری از نقاط جهان بویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا تا آسیای جنوبیست. نقطه عطف و توجه جهانی به مسئله زن در ایران در مبارزه سرسخت و تعیین کننده آنها با مذهب و بویژه دین اسلام است که تا بحال هیچ کجایی در جهان هیچ کدام از جنبشهای در نبرد نتوانسته اند تا به این اندازه به یک دین خرفت، اما بشدت انتقام گیر نه بگویند. به گیسوان زنان گیر دادند و از آنها تصویر اژدها ساختند. گیسوان زنان امروز اژدهایی شده که گلوی رژیم و حاکمان اسلامی را میفشارد. شعار "هیزتویی هرزه تویی، زن آزاده منم!" در خطاب به اراجیف خامنه ای ورد زبان زنان و مردان معترض در خیابانهاست. این دیگر شوخی نیست!

در شرایط حاضر جنبش زنان با چنین موقعیت و جایگاه ویژه ای که کسب کرده مسیر رهایی کامل از قید بردگی جنسی، رهایی از جهل و خرافه دین و فرامین زن ستیزانه آن و در نهایت ایجاد دنیایی برابر همراه با آزادیهای وسیع برای زنان و برای کل جامعه را میتواند ممکن سازد. برای رسیدن به این هدف احتیاج به داشتن مانیفستی سیاسی- طبقاتی ست که بروشنی همه خواستها و اهداف جنبش را بیان کند. سازماندهی حول این مانیفست همچنین ادامه کاری مبارزات و رسیدن به خواستها را تضمین میکند. احتیاج به برنامه عملهای کوتاه مدت، دراز مدت، ائتلاف و همبستگی با متحدین و همراهانی چون جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی است. عصر اینفورماتیک بیشترین امکان را برای کسب تجارب از جنبشهای دیگر بطور وسیع فراهم کرده است. درسهای گرانبهای جنبش های زنان در یک آن میتواند به طرح و سازماندهی هر هسته و گروه سازمانی تبدیل گردد. کسب تجارب و کار مشترک با رهبران کارگری و طرح مشترک اعتراضات ضمانتی برای ادامه کاری بهتر و به سرانجام رساندن کار نهاییست. همسویی این دو جنبش در زندگی طبیعی شان است. فرزندان کارگران

مروری بر جنبش آزادیخواهانه زنان در ایران:

از گذشته تا حال، از مقاومت تا رهبری ...

شاهکارهای رژیم پهلوی بود. بلندگوهای مساجد در دست آخوندها میچرخید که جامعه را برای سرکوب زنان بسیج کنند. چند دهه نگذشت که سراب پهلوی هم در یک خیزش همگانی سقوط کرد. اعتراضات مردمی با امید به رهایی و شکستن درب زندانها که پر از فعالین سیاسی بود، کارگران و بیکاران به امید بهتر شدن زندگی، طیف وسیعی از حلی آبادهای کنار شهری و دهقانان رانده شده از زمینهای بریاد رفته شان به امید پیدا کردن لقمه ای برسر سفره همه به خیابان آمده بودند و کار پهلوی ها یکسره شد. روزهای گذار از قیام مردمی دیری نپایید که به جهنمی دیگر نزول کرد و جمهوری اسلامی با پرچمهای سیاه و گله های حزب الله شهرها و اماکن آزاد شده را تسخیر کردند. ناگهان ابرهای سیاه خشونت، جهالت، وحشت برآسمان همه جا سایه انداخت. زنان ایران نزدیک به شصت سال در ایران بین سه دولت کودتایی و از بالا تعیین شده سهمشان همیشه بردگی و بی حقوقی بوده است. آیا این برای زنان در ایران کافی نیست؟

در کردستان هم اتفاقات مشابه ای در جریان است. وقتی که جهان به ژینامهسای شجاع بعنوان سمبل مبارزه علیه حجاب می نگرد احزاب ناسیونالیست کرد در اوج خشم و اعتراضات خیابانی، مردم را به آرامش و خراب نکردن اماکن سیاه و رژیم دعوت میکردند و به جوانان هشدار میدادند که "خشونت" نکنند. حمله به عمامه ملاها را محکوم میکنند. اعلام میکنند که پلیس خودی را به خیابان خواهند آورد تا جلو جوانان را بگیرند. عده ای از ملاها و شخصیتهای دینی در شهرهای کردستان تجمعات و بیانیه هایی در وفاداری به رژیم منتشر کردند اما خیلی زود در مقابل اعتراضات هر روزه مردم دود شدند و هوا رفتند. باید سخنرانی بعضی از این رهبران ناسیونالیست را در تلویزیون هایشان بشنوید که در این طوفان سراسری چگونه به قایقهای بادیشان چسبیده اند. مصاحبه رهبر حزب دمکرات کردستان، مصطفی هجری از آنجمله است. انگار که گفتمان شاهی ها، اصلاح طلبانه آبرویافته و رنگ عوض کرده، ملی گریان ناسیونالیست ایرانی را میشوند. یکی به فارسی و این دیگری به کردی! آنچه مسلم است و جای امیدواری بسیاری از ما در این دوره است که گرایش کمونیستی و آرمانخواهی رادیکال و سکولاریستی همواره در کردستان قوی بوده است. گرایش جنبش آزادی و برابری وسیعا مورد پشتیبانی احزاب چپ و جنبش کارگری بوده و در مراحل تاریخی از آنجمله هشت مارسهای سرخ سندانج، قطعهنامه های رادیکال و اعتراضات ضد حجاب و تاثیرات این حرکات سیاسی تا دیگر نقاط ایران رفته است. جنبش زنان و فعالین آن تاریخ جنگهای تحمیلی حزب دمکرات بر علیه کومه له و مذاکرات مکرر احزاب ناسیونالیست با سران جمهوری اسلامی را بیاد دارند. آنها در چند ماه اخیر بدجوری از جوانان و زنان سیلی خورده اند. تجارب مشترک و همکاری مستقیم با جنبش سراسری زنان دهها قدم جایگاه جنبش رادیکال و برابری طلب زنان در کردستان را قوی تر کرده است. جنبش آزادی و

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

کمپین شکست خورده رضا پهلوی و عکس

العمل نیروهای اپوزیسیون

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

سعیدآرمان: کمپین "وکالت میدهم" به رضا پهلوی بسرعت شکست خورده به نظر میرسد، چرا؟

رحمان حسین زاده: مشاهده شما درست است. این کمپین شکست خورد. چون این کمپین نشان داد، جریان مشروطه خواهی و سلطنت طلبی آن سطح از حمایت قابل قبول را حتی در میان جریانات راست اپوزیسیون در خارج کشور را با خود ندارد. شکست خورد چون عکس العمل منفی بالایی از جانب صف خودآگاه از جمله در میان میلیونها ایرانی خارج کشور که این کمپین در وهله اول خطاب به آنها بود، دریافت کرد. آماري که منتشر کردند، برخلاف پروپاگاندا رسانه های نان به نرخ روز خور و حواریون سلطنت، موقعیت ضعیف سلطنت طلبی را در فضای سیاسی نشان میدهد. این واقعه نشان داد، روش کسب حمایت عصر حجری به سبک "بیعت برده و بنده با شاه" و سرسپردگی در مقابل "سایه خدا" در دنیای امروز منسوخ و مردود و شکست خورده است. ادعای وکالت گرفتن برای چانه زنی با دولتهای مرتجع در آمریکا و اروپا و منطقه توجیه بی پایه و سبک بود. قبلاً بدون طومار جمع کردن به این بند و بست و فسق و فجورها مشغول بوده و نیازی هم به امضا جمع کردن ندیده است. هدف اینها "ایمیج سازی" در خدمت "رهبر سازی" برای آینده تحولات است. این اقدام به اذعان بعضی از عناصر مشروطه خواه و سلطنت طلب دوستدار شخص رضا پهلوی هم اقدامی ناکام بود و از او خواستند، از آن تیری جوید. اتفاقاً شکست در این کمپین موقعیت او را برای مذاکره و بند و بست احتمالی با قدرتها و دولتهای ارتجاعی هم به شدت تضعیف کرد.

سعید آرمان: عکس العمل نیروهای اپوزیسیون را اعم از راست و چپ به این مسئله چگونه می بینید؟

رحمان حسین زاده: فرصت نیست مواضع تمامی جریانات اپوزیسیون را بررسی کنیم. اما ابتدا به مواضع بعضی جریانات راست بپردازیم. این کمپین در بلوک راست هم عمدتاً با مخالفت روبرو شد. شاید آنچه برای رضا پهلوی و اطرافیانش شوکه کننده بود، از درون طیف مشروطه خواه هم عده قابل توجهی اینکار را به زعمشان "آبروریزی" برای مشروطه و سلطنت دیدند. شاخه های مختلف جمهوریخواه مخالفت کردند. طبیعی است نه از زاویه منفعت مردم و خیزش انقلابی، بلکه به عنوان "انحصارطلبی" رضا پهلوی و مشروطه خواهان و نگران از اینکه سهم آنها در "آلترناتیو سازی" مورد پسند آمریکا و غرب رعایت نشود، اعتراض داشتند. لحن تند حسن شریعتمداری "دبیر کل شورای مدیریت گذار" علیه کمپین "وکالت میدهم" فشرده نگرانی جمهوریخواهان پروغری از بیرون افتادن از دایره بساط "آلترناتیو سازی" دست راستی

پرو غریبی و گلایه از "بی تعهدی" رضا پهلوی و مشروطه خواهان در قبال روند "ائتلاف سازی" شکننده ای بود، که با اینکار به نقطه صفر برگشته است. جریانات و عناصر جمهوریخواه بیرون از شورای مدیریت گذار هم، وارثان اکثریت و توده و اصلاح طلبان بیرون رانده شده از قدرت در همین مایه نگران از انحصارطلبی به این کمپین اعتراض داشتند. این نوع مخالفتها جدال درون

خانوادگی آلترناتیو بورژوازی ضد کارگر و ضد منافع مردم و مانع ایجاد کن در مقابل خیزش انقلابی جاری است، که درست مثل مشروطه خواهان و رضاپهلوی لازمست افشاء و منزوی شوند.

در این میان عبدالله مهدی فدالیست عضو سرریز "شورای مدیریت گذار" که بعضاً هم با ربط و بیربط از قول مرکز همکاری احزاب کردستان سخن میگوید، از همه عناصر جریانات دست راستی موضع زبوانه تری گرفت. حتی در سطح دبیرکلش حسن شریعتمداری هم اعتراضی به نمایش رضا پهلوی نداشت. ایشان "هر کار و اقدام فردی رضا پهلوی را حق طبیعی او و البته تاکید کرد جناب آقای رضا پهلوی را سرمایه سیاسی ایران میدانند" و توصیه اش این بود، چنین وکالت گرفتنی به "صندوق رأی" واگذار شود. موضع مهدی دریوزگی حقیرانه در بارگاه مشروطه خواهان و رضا پهلوی برای گرفتن کرسی در "ائتلافات ارتجاعی و مجلس موسسان" احتمالی آتی مورد نظر مشروطه خواهان است. کرنش و موضع جبنانه این عنصر مرتجع فدالیست را در مقابل جریانات راست و رضا پهلوی با موضع دشمنانه او در مقابل کمونیستها و دستور ترور آنها را در کنار هم بگذارید. آنوقت متوجه عاقبت سیاسی یک عنصر بی ثبات و اپورتونیست و غیر قابل اعتماد حتی در همان بلوک راست و فدالیست و جایگاه سازمان بدنام او را در فضای سیاسی متوجه میشوید. خلاصه کنم، نمایش "وکالت میدهم" از درون جریانات راست هم شکست خورد.

در میان اپوزیسیون چپ تا آنجا که من مطالعه کردم، بخش عمده نیروهای چپ هرکدام با هر زبانی، نمایش "وکالت میدهم" را افشاء کرده اند. واقعیت اینست بیشتر نیروهای چپ و کمونیست علیه کلیت آلترناتیو و سیاست جریانات راست و به ویژه سلطنت طلبان هستند و از این زاویه طبیعی است علیه این نوع ترفندهای مشروطه خواهان و جریانات راست هم بودند.

در میان قطبی که به بلوک چپ موسومند، در کمپین "وکالت میدهم" موضع دو جریان قابل توجه بود. اول، موضع ابراهیم علیزاده دبیر اول جریانی است که هنوز اسم سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) را یدک میکشد. او در میزگرد تلویزیونی در مقابل طرح "وکالت میدهم" و مبحث نخ نما و شوونیستی و سرکوبگرانه ناسیونالیسم ایرانی تحت نام "تمامیت ارضی" زبان بسته و سپرانداخته و سردرگم موضع گرفت. علت این موضع راست روانه علیزاده به روال معمولش محاسبه گری برای آینده ای است که طبق

مروری بر جنبش آزادیخواهان زنان در ایران:

از گذشته تا حال، از مقاومت تا رهبری ...

دختران جوان آنها هستند که در خیابانها میجنگند. نیمی از جمعیت ستمدیده زنان در جامعه از طبقه کارگرند و آگاهگری و سازماندهی این بخش از زنان کارگر وظیفه فعالین زن است. شعار "نه سوختبری، نه کولبری، آزادی و برابری" بحق بیانگر اتحاد دو جنبش برجسته در اعتراضات اخیر است. فعالین محلاتی که متشکل شده اند، دانشجویان، زنان خانه دار، موج وسیع بیکاران تحصیل کرده، خانواده های فقیر و حاشیه نشینها، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، خانواده های جان باختگان، معلمین و بازنشستگان و پرستاران معترض از دیگر متحدین طبیعی جنبش زنانند. چنانچه در مانیفست جنبش آزادی زن آرمانهای یک زندگی آزاد و برابر، تضمین امنیت و سعادت انسانها تضمین گردد دیگر چه جای شبه ای میماند که این لشکر میلیونی زجر دیده در جامعه به آنها نپیوندند؟

بگذار دقیق بگویم که عصر تک لیدرها که با لشکرکشی شهرها را فتح میکنند گذشته است. نمایشات روی سن و پشت تلویزیون از اتحاد چهره های انتصابی خارج کشوری که گویا ناجی و قهرمان قیام مردمی خواهند شد با منطق خود قیام انقلابی از داخل منزوی و پس داده خواهند شد. اگر امروز در خارج کشور تنور شوآف لباسهای یک رنگ و عنتر بازی کارت پستال مثلث رضا پهلوی-اسماعیلیون-چند خانم سلبریتی در خارج کشور داغ بنظر میرسد به دلیل وقفه در اعتراضات هر روزه خیابانی و همچنین نداشتن فرصت هایی برای سازماندهی وسیع و نداشتن مانیفستها آزادی و برابری زنان است. برنامه ریزی، سازماندهی و داشتن دورنما برای ادامه کاری از جمله وظایف عاجل رهبران عملی تشکلهای کارگری و فعالین آزادی زن است. دوره اخیر میدان قهرمانانی اکتورهایی ست که کار را شروع و تا به پایان در صحنه اند. از مرحله مقاومت تا پیروزی در احاطه میلیونی اکتورهای نظیر خود در سنگفرش خیابانها و محلات کار همه جا حضور دارند. قیام انقلابی به سازماندهی و آرایش حزبی-تشکیلاتی نیاز دارد و این در ظرفیت و قواره امروز اکتورهای واقعی ما هست. بخاطر بسپاریم که آنان که میجنگد تاریخ را میسازند و میتوانند سرنوشت خود را هم رقم بزنند و آینده از آن این قهرمانانند. به شهادت بیش از چهل و سه سال مبارزه بی وقفه و بیش از صد روز از قیام حاضر جنبش آزادی زن و بسیاری از فعالین و آرمانخواهان برابری ثابت کردند که ظرفیت بسرانجام رساندن امیال و آرزوهای میلیونها زن و جوان در ایران را دارند.*

کمپین شکست خورده رضا پهلوی و عکس العمل

نیروهای اپوزیسیون ...

محاسباتش، نکند، اپوزیسیون راست و مشروطه خواه به جایی برسند و لازمست جریان تحت مسئولیت او در آن بساط جایی داشته و از قافله دورنماند.

دوم، موضع حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی لیدر حزب است. واقعیت اینست، تشدید تقلاهای "آلترناتیوسازی راست" و عدم توجه آنها به تمامی چراغ سبز دادندهای حمید تقوایی و حزب متبوعش برای راهیابی در جمع "ائتلاف اپوزیسیون راست" کل توجیحات ارتجاعی "همه باهمی و اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید" این حزب را به بن بست رسانده است. در این فضا نامه دادندهای سرگشاده به عناصر بیمایه و نان به نرخ روز خور امثال مسیح علی نژاد و عناصر دیگر قطب راست گلایه های بیپوده برای بازسازی فصل مشترک با بعضی عناصر و جریانات راست و در عین حال تلاشی ناکام برای پینه کردن مواضع تماماً راست روانه تاکنونی این حزب است. یک بار دیگر معلوم شد چپ همه باهمی و پوپولیست قربانی توهمات راست روانه و بورژوایی خود شد.

سعید آرمان: این نمایشات از جانب جریانات راست سابقه داشته و در آینده هم تکرار میشود، کارگران و صف آزادیخواه و چپ چه برخوردی به آن باید داشته باشند؟

رحمان حسین زاده: این نمایشات فضا سازی و "ایمیج سازی" سطحی را در چهارچوب جست و خیز آلترناتیو سازی راست بورژوایی پروغرب باید دید. اگر آلترناتیو راست پروغربی واقعیتی است در فضای سیاسی ایران و در جدال برسر قدرت سیاسی، این اقدامات و ترفندهای آنها را هم باید افشاء و منزوی کرد. کاری که جنبش و حزب ما از آن غافل نمانده و به سهم خود در ایجاد صف خود آگاه در مقابل جریانات راست نقش مثبت و موثر ایفا کرده ایم. در نتیجه تا آنجا که به ما و قطب چپ و آزادیخواه و کمونیست در داخل و خارج کشور مربوط است، آگاهگری و ایزوله کردن جریانات راست و اقدامات و ترفندهای آنها را باید پیگیرانه ادامه دهیم. اما وجه مهمتر مسئله اینست که آلترناتیو کمونیستی و کارگری با خودآگاهی و سازنیافتگی کل پتانسیل عظیم خود را موظف است به میدان بکشد. به عنوان پرچمدار و رهبر بی اما و اگر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و سازنده و اداره کننده جامعه ایران بعد از جمهوری اسلامی سرنوشت جامعه را به دست گیرد. این راه موثر کنار زدن آلترناتیو بورژوایی و راست در فرادای سقوط جمهوری اسلامی است.

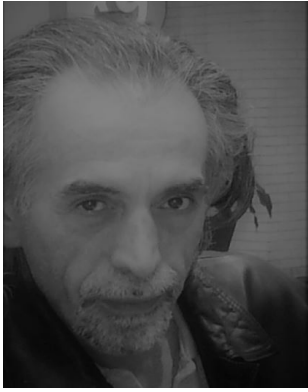


برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

"اصالت خاک" یا اصالت انسان؟

سخنرانی در سمینار "ایران کجاست، ایرانی کیست"؟

سیاوش دانشور



حقیقت وجود یکی زمینه رشد دیگری است. اما ناسیونالیسم محلی هم از نقطه نظر جهان بینی و ارزشهای اجتماعی همین ماهیت را دارد، تنها تفاوتش اینست که در موضع قدرت سیاسی نیست. در اپوزیسیون بودن ناسیونالیسم محلی چیزی در مورد حقانیت سیاسی اش نمیگوید. ابزار هر دو برای بسیج، ارجحیت دادن به "هویت و منفعت ملی خودی" و نگاه کردن

به دنیا و حق و آزادی بشر از دریچه تنگ "منافع ملی" است. هر دو برای سهم ببری بیشتر از قدرت سیاسی و سود حاصله از استثمار کارگران در بازار داخلی رقابت میکنند. البته معنای آزادی و خوشبختی برای کارگر این نیست که کارفرمایش همزبانش باشد. خیلی از کارگران در طول زمان عمر کارشان حتی یکبار کارفرمای واقعی خود را نمیبینند. فکر نمیکنم هیچ کارگر مارابو و مالبورو و شرکتهای دیگر جناب فلیپ موریس را دیده باشد.

از نظر ما ناسیونالیسم بعنوان یک جنبش سیاسی، مستقل از اینکه در موضع قدرت است یا اپوزیسیون، ربطی به آزادی مردم در هر جامعه ای ندارد. ناسیونالیسم ایدئولوژی بورژوازی و طوق بردگی کارگران و مردم محروم است. ناسیونالیسم حتی قادر به حل ستم ملی نیست و اساسا از طریق ابدی کردن آن میتواند موجودیت سیاسی داشته باشد. همینطور از نظر ما حل ستم ملی یا قومی جواب اتوماتش تشکیل دولت محلی نیست. چه کسی معتقد است که با حاکمیت عظمت طلبان ایرانی مردم فارس زبان آزاد شدند تا با تشکیل دولت کردی یا آذری و عربی یا نظام فدرال مردم آزاد میشوند؟ هیچ رابطه روشن و یک به یکی بین تشکیل دولت توسط ناسیونالیسم محلی و آزادی مردمی که تحت ستم ملی بوده اند وجود ندارد. در دوره ای که جوامع از ارتجاع قدیم فتودالی عبور میکردند، بورژوازی و جنبش ناسیونالیستی، اساسا در پاسخ به نیاز یک بازار داخلی و یکپارچه، به پدیده دولت - ملت شکل داد. تاریخا این روندی رو به جلو بود، چرا که از ایل و تبار و عشایر و خان خانی ها و روابط سنتی به فرهنگ شهری، اقتصاد جدید و به طبع آن روابط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نوینی میرسیم. سرمایه داری به مجرد مسلط شدن بعنوان یک نظام اقتصادی - اجتماعی بنوبه خود در مقابل جنبش سوسیالیستی کارگران قرار میگیرد که خواهان نفی روابط و مناسبات ملکی حاکم در جامعه بورژوائی است. امروز ناسیونالیسم بعد از دوره جنگ سرد، که اساسا قوم پرستی است، همین پروسه تاریخی را میخواهد به عقب برگرداند و پدیده ای واپسگرا است.

بنا بر این مفروضات جنبش ناسیونالیستی، مانند "ملت"، "هویت ملی"، "منفعت و فرهنگ ملی"، "زبان رسمی"، "پرچم ملی" و غیره نقطه عزیمت من نیستند و اساسا آنها را بعنوان مقولاتی که بتوان منافع عام انسانها و مبارزه برای امر آزادی را از مجرایشان تبیین کرد، قبول ندارم. روشن است که این حق هر کس است که هر تعلق ملی، مذهبی، قومی و نژادی داشته باشد، حق هر کسی است که بتواند

صفحه ۱۱

حضار محترم، خانمها و آقایان!

به شما خوش آمد میگویم و با تشکر از انجمن پژوهشگران که این فرصت را فراهم آوردند. قبل از وارد شدن به بحث مایلم نکته ای را یادآور شوم. امروز ۳۰ خرداد است. سالروز نسل کشی از مخالفین سیاسی و نسل انقلاب ۵۷ توسط جمهوری اسلامی. ۳۰ خرداد ۶۰ ادامه بمباران کردستان، اعدامهای صحرانی خلخالی، کشتار ترکمن صحرا، تحمیل حجاب به زنان و شلیک به کارگران بیکار اصفهان بود. هزاران نفری که در "تف آبادها"، "لغت آبادها"، و خاورانها دسته جمعی آرمیده اند، لازم است در این روز مورد احترام عمیق بشریت آزادیخواه قرار گیرند. من خواستم قبل از شروع صحبتم یاد این عزیزان را گرامی داشته باشیم، به خانواده قربانیان این قتل عام ادای احترام کرده باشیم، و بر این تاکید کنیم که روز اول پیروزی بر ارتجاع اسلامی در ایران باید مجازات اعدام را لغو کنیم، زندانهای سیاسی را موزه کنیم، و در دادگاههای عادلانه، مستقل و منتخب مردم، سران رژیم اسلامی و مسببین این جنایات علیه مردم را محاکمه کنیم. بزرگترین تجلیل را از این قربانیان بعمل آوریم و با برپا کردن بناهای یادبود برای آنها سهمشان را در امر مبارزه برای آزادی پاس بداریم.

تیتیر سخنرانی من "اصالت خاک" یا اصالت انسان است. من قصد بحث فلسفی در این زمینه را ندارم چون موضوع اساسا سیاسی است. اما آن مبنای فلسفی که نقطه رجوع من در مبارزه سیاسی برای امر آزادی است، اصالت دارد و هر سوال و موضوعی را از این زاویه مورد بررسی قرار میدهم، انسان و آزادی انسان است نه محصولات ساخت انسان. نه کالا، نه مذهب، نه ملیت، نه قومیت، نه خاک و سرزمین. برای من نه ایران بعنوان یک جغرافیای معین مقدس است و نه هیچ جغرافیای سیاسی فرضی دیگر. مهم اینست که انسانها در آن خاک چگونه زندگی میکنند. آیا احساس خوشبختی میکنند؟ آیا در ظرفیت جمعی و فردی آزاد هستند؟ آیا از ستم و تبعیض چه جنسی، ملی و قومی و چه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رها شده اند؟ برای من سرزمینی که در آن انسانهایش اسیرند، زندان است. من برای نفس زندان دل نمی سوزانم.

ناسیونالیسم

در ایران و طی دهه های گذشته، شوونیسم و تبعیض و ستم ملی بعنوان یک واقعیت زشت، چه در دوران پهلوی ها و چه در جمهوری اسلامی، در اشکال متفاوت وجود داشته و عمل کرده است. "تمامیت ارضی" پرچم این خود محور بینی ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است. این واقعیت بنوبه خود زمینه تحرک سیاسی ناسیونالیسم محلی و قومی را فراهم میکند و یک منشا باد زدن تنش ملی و قومی است. در

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

"اصالت خاک" یا اصالت انسان؟

سخنرانی در سمینار "ایران کجاست، ایرانی کیست؟! ..."

به زبان خود بنویسد و بخواند و آموزش ببیند، حق هر کسی است که هر لباسی دوست دارد بپوشد و حق هر کسی است که سرنوشتش را انتخاب کند و مهمتر اینکه حق هر کسی است که در یک شرایط برابر و با حقوق یکسان با دیگر شهروندان زندگی کند.

سوالات واقعی

تینتر سمینار میخواهد به نگرانی و سوالات واقعی توجه دهد که با فرض مشکلات موجود عاقبت این "گره" چه میشود؟ ایران بعنوان یک کشور و جغرافیا معلوم است کجاست و "ایرانی" بعنوان اتیکت و "هویت ملی"، که به تمام کسانی که در آن جغرافیا دنیا آمده اند الصاق شده است، معلوم است که در زیر سلطه اسلام و رژیمش در ایران بسر میبرند و در تلاشی روزمره و سهمگین برای نفی این اختناق و استبداد و فلاکت است. بخشی هم که آواره است یا هنوز شلاق اختناق و سرکوب بر تن و روح و روانش سنگینی میکند و یا مستقیا در تلاش برای تغییر این وضعیت است.

مسئله و سوال این نیست که "ریشه ایرانی" کجاست و یا شهروند امروز جامعه ایران که هفتاد درصد آن را نسل جوان تشکیل میدهد میخواهد بداند که "سامی و مزدک" و غیره کیست و چیست! شهروند امروز جامعه ایران بدنبال این ریشه یابی از "هویت خویش" نیست. سوال واقعی اینست که این "ایرانی" ها با تمام تنوعشان چگونه میتوانند در آن جغرافیا و در یک شرایط برابر با هم زندگی کنند؟ ستم ملی مسئله ای سیاسی است و پاسخ آن نیز سیاسی است. "پاسخهای" موجود به این سوال چه از موضع ناسیونالیسم عظمت طلب که بر طبل "تمامیت ارضی" میکوبد، چه از جانب ناسیونالیسم اپوزیسیون و تمایلات قوم پرستانه که فدرالیسم را پیشنهاد میکند، و چه در موضع خاکستری جمهوریخواهان که میان ایندو در نوسانند، در یک فرض مشترکند؛ و آن اینست که از موضع "هویت ملی" و وارد کردن فاکتور ملیت و قومیت و چه بسا مذهب در مناسبات سیاسی - اداری جامعه میخواهند به این سوال پاسخ گویند. این نه فقط پاسخ مسئله را نمیدهد بلکه معضل را پیچیده تر و به مراحل خطرناکی سوق میدهد. به نظر من هیچکدام از این "راه حل ها" حتی سراغ معضل نمیروند.

اگر نقطه عزیمت این باشد که ایران از نقطه نظر جغرافیا یعنی حفظ "تمامیت ارضی"، همینطور برسمیت بشناسیم که "ملتها" و یا "اقوام" دیگر هم هستند - بسته به اینکه هر کسی چگونه تبیین میکند - اما در درجه اول همه "ایرانی" هستند، بعد مثلا "کرد" یا "آذری" و غیره، ما با این مفروضات معضل را ابدی کردیم. انباری از باروت بالای سر جامعه گذاشتیم که هر زمان با هر اختلاف و یا هر جاه طلبی این یا آن طرف دعوا میتواند منفجر و سرآغازی برای شروع تصفیه و پاکسازی های قومی شود. باید به مسئله چه جزئی و چه مهم پاسخ سیاسی و سر راست و بدون تعصب داد. اگر شما بدوا ملیت و یا ملیتها و قومیتها را

بعنوان فاکتور وارد معادله کنید، اگر شما خاک ایران، "اصالت" این خاک و در سطح سیاست "تقدس تمامیت ارضی" را وارد معادله کنید، دارید مهمات جنگ فراهم میکنید. شونیسیم و پان ایرانیسم و تعصب "تمامیت ارضی" و خاک و خون و نژاد، کارخانه تولید ناسیونالیسم و قوم پرستی حق بجانب در اپوزیسیون و منشأ رواج کینه ملی و قومی است. این سیاست شکاف تولید میکند و شکافهای موجود را لاینحل میکند. این سیاست میسر بردن کشور به پای تقابلهای ملی و جنگ داخلی است. این نتیجه واقعی این سیاست در دنیای امروز مستقل از نیت هر کسی است. این سوال وقتی پاسخ میگیرد که از تعلق ملی و قومی و مذهبی انتزاع کنیم و مبنای وحدت و حقوقمان را انسان و آزادی او به معنی وسیع کلمه بدانیم.

مسئله کرد

در ایران ما مسئله تاریخی و مشخصی داریم بنام مسئله کرد. این سوال جوابش دیپلماسی و نان قرض دادن به همدیگر نیست، پاسخ سیاسی کنکرت میخواهد. این پاسخ تنها میتواند زمانی عملی شود که از همین مفروضات فوق انتزاع کرده باشیم و مهمتر انتخاب را بعهده خود مردم در یک شرایط آزاد مثلا در یک رفراندوم و آگذار کنیم. میگویم انتخاب مستقیم مردم و نه معامله و بند و بست احزاب سیاسی بالای سر مردم. همینجا تاکید کنم که به نظر ما وجود درجات متفاوت ستم ملی در بخشهای دیگر ایران این حکم را تصدیق نمیکند که ما در ایران با این معضل، بعنوان موضوعی تعمیم یافته، بعنوان "مسئله ملیتها"، که همزیستی بخشهای مختلف جامعه را با هم غیر ممکن کرده است روبرو هستیم. ایران با چنین تنش قومی و ملی در ابعاد سراسری روبرو نیست و برای مردم مسئله ملی و اختلافات قومی بعنوان معضلی بزرگ و اجتماعی مانند مسئله زن یا مسئله جوانان و یا فقر و غیره ابداع مطرح نیست. عملکرد شوونیستی دولتهای مرکزی و تحرک ناسیونالیسم محلی، خوشبختانه هنوز موجبی برای رویارویی ملی و قومی در مقیاس وسیع میان بخشهای مختلف مردم و طبقه کارگر ایجاد نکرده است. برعکس، مردم بیشتر تمایل به فراتر رفتن از آن جغرافیا و وارد شدن در دنیایی هستند که امروز "دهکده جهانی" نام گرفته است. ارزشهای روش زندگی، منش فرهنگی، تفریحات و روابط مردم در بخشهای مختلف ایران و از جمله در کردستان، تصویر دیگری را نشان میدهد. مردم ایران مانند اکثر مردم دنیا میخواهند آزاد و برابر در یک جامعه پیشرفته زندگی کنند.

مسئله کرد که تاریخی طولانی دارد و طی دهه های گذشته موضوع جدال سیاسی، نظامی و سرکوبهای خشن حکومتهای مرکزی بوده است و هنوز کردستان شبیه یک پادگان نظامی است، از نظر ما پاسخ روشن و متمدانه ای دارد: برگزاری رفراندوم و رجوع به آرای خود مردم کردستان برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان. این تنها راه حل مسئله کرد است. سوال این رفراندوم روشن است: ماندن در چهارچوب ایران بعنوان شهروندان متساوی الحقوق و یا جدائی و تشکیل دولت مستقل. در این رفراندوم، مانند هر مورد دیگری در دنیای امروز، باید احزاب سیاسی فرصت کافی برای تبلیغ و ترویج نظراتشان را آزادانه داشته باشند. احزاب سیاسی از طرق دامنه نفوذشان بر مردم و بنا به نظرشان در پاسخ به این سوال، در روند این انتخاب شرکت میکنند. احزاب سیاسی طی قرارداد و یا بند و بست نمیتوانند

"اصالت خاک" یا اصالت انسان؟

سخنرانی در سمینار "ایران کجاست، ایرانی کیست؟! ..."

تکلیف حقوقی کردستان را روشن کنند. از نظر حزب ما هر گونه توافق و بند و بست احزاب سیاسی در مورد کردستان فاقد مشروعیت است. تنها راه حل متمدنانه آن رجوع به آرای عمومی خود مردم کردستان است. نتیجه این فرآیند هرچه باشد از نظر ما قابل قبول است. مسئله کبک در کانادا مثال خوبی است. نه جنگی لازم شده، نه خواب و بازی و شیر کودکی مورد تعرض قرار گرفته است. در یک روز معین مردم رای و تصمیمشان را اعمال کردند. فرآیند پاسخی سیاسی برای یکی از مسائل قدیمی و معرفه در ایران و خاورمیانه است.

خود مختاری

همینجا تاکید کنم که ما خود مختاری را قبول نداریم. خودمختاری در چهارچوب ایران مصداق تعدد زوجات است. خودمختاری یعنی حق ویژه نسبت به همسایه. بالاخره یا شما شهروند این کشور هستید و با دیگران دارای حقوق مساوی و یا جدا میشوید و کشور مستقل خود را تشکیل میدهید. نمیشود هم در چهارچوب یک قرارداد با دیگران بود و هم از حقوق ویژه ای نسبت به مردم در تهران و اصفهان و جاهای دیگر برخوردار بود. اتفاقا یک دلیل طرح بحث فدرالیسم همین تناقض در شعار تائیدی حزب دمکرات یعنی خودمختاری است. رجوع به آرای مردم کردستان در یک فرآیند پاسخ اصولی برای حل مسئله کرد است. در مورد هر شرایطی نمیتوان حکم یکسانی صادر کرد، اما در شرایط امروز ارزیابی من اینست که نتیجه یک فرآیند فرضی، با رای بالای مردم کردستان به نفع ماندن در چهارچوب ایران بعنوان شهروندان متساوی الحقوق است.

فدرالیسم

فدرالیسم یک شعار دست ساز جنبش ناسیونالیستی است. از نظر اجتماعی و تاریخی در ایران بی ریشه است. در هیچ مقطع تاریخی جامعه ایران بعنوان یک خواست اجتماعی مطرح نشده است. فدرالیسم نسخه ای است برای یک دوره جدید جنگ قومی و مذهبی و تولید نفرت ملی. این یک تز ضد جامعه، ضد کارگر، سیاسی عمیقاً ارتجاعی و غیر مسئولانه است. ما در جامعه ایران با خصومت و تنش ملی و قومی حدت یافته، که به یک معضل سیاسی لاینحل تبدیل شده باشد و امکان همزیستی شهروندان را سلب کرده باشد، روبرو نیستیم. همانطور که اشاره کردم بجز استثنای مسئله کرد چنین وضعیت تعمیم یافته ای در ایران وجود خارجی ندارد. وجود درجات متفاوت ستم ملی در ایران را برابر دانستن با "مسئله ملیتها" و تلاش برای یکسان نشان دادن آنها برای جا انداختن شعار و سیاست فدرالیستی، قبل از اینکه ریشه ای در واقعیت جامعه ایران داشته باشد تلاشی سیاسی و واپسگرا توسط جریانات و محافل ناسیونالیست برای ساختن مسئله است. معضل امروز مردم ایران این نیست که به "ترک" و "کرد" و "بلوچ" و "فارس" و "عرب" تقسیم نشده اند و برایشان شناسنامه قومی صادر نشده است. چنین تمایلی ریشه ای در جامعه امروز ایران ولو حاشیه ای ندارد.

تمایلات چند محفل قوم پرست اینجا و آنجا که تلاش دارند دنیا را از مجرای تعصبات خویش ببینند هیچ چیز راجع به واقعیات سیاسی و ابژکتیو جامعه امروز ایران نمیگوید. اما بی ریشه بودن این تمایلات باعث نشده است که کدخداهای خودگمارده "قومها" از هر سو دکانی سیاسی بنام "قوم" و "ملت خودی" باز نکنند. قوم پرستان تنها نماینده خودشان هستند و نه هیچ کس دیگر که برحسب اتفاق محل تولدش با اینان یکی است. عظمت طلبان تنها نماینده شوونیسم و نژاد پرستی سازمانها و شخصیتهای جنبش ناسیونالیسم محافظه کار هستند نه مردمی که به فارسی تکلم میکنند. قوم پرست و عظمت طلب بودن به تنهایی و اتومات، کسی را نماینده مردم نمیکند. مردم ایران آرزوی شان این نیست که به "ملتها" و "قومها" تقسیم شوند، دور خودشان زنجیر بکشند، قوم و نژادشان را برجسته کنند، آداب و رسوم متفاوتی داشته باشند، و توسط گزمه و ژاندارم مرزی، شناسنامه و گروه خون "غریبه ها" را چک کنند! مردم ایران مانند مردم تمام دنیا میخواهند آزاد و برابر زندگی کنند.

فدرالیسم محصول واقعیات ابژکتیو سیاسی و اجتماعی ایران نیست بلکه شعار من در آوردی نیروهای دست راستی و وسیله ای برای بند و بست از بالای سر مردم است. "تمامیت ارضی" شناسنامه طیف آریائی و نیروهای عظمت طلب ناسیونالیسم ایرانی است. شعار این جریان روشن است: "چو ایران میباشد تن من مباد"! و این "ایران" یعنی "تمامیت ارضی ایران" نه اینکه مردم ساکن ایران چگونه زندگی میکنند. این جریان حاضر است هر جنایتی برای حفظ "تمامیت ارضی" بکند و در سابقه کم ندارد. معضل نیروهای این کمپ از جمله سلطنت طلبان و جمهوریبخواهان نزدیک به آنها اینست که به مسئله کرد چه پاسخی بدهند. در مقابل حزب دمکرات کردستان ایران بخاطر مهر "تجزیه طلب" خوردن و در عین حال پیشبرد شعار "خودمختاری کردستان"، با مانع "تمامیت ارضی" روبرو است. فدرالیسم را ایندو ارتجاع ناسیونالیستی ساخته اند. فرمولی است برای معامله و رفع نگرانی دو طرف. ربطی به مردم ندارد. برای سلطنت طلبان این شعار خطر "تجزیه" را منتفی میکند، و برای حزب دمکرات تلاشی است برای پس زدن "اتهام تجزیه طلبی" و همینطور تسری دادن خودمختاری به بقیه.

سناریو اینست که عظمت طلبهای "فارس" در قدرت مرکزی اند و حزب دمکرات به "نماینندگی کردها" در قدرت محلی و خود مختار کردستان. "تجزیه" هم صورت نگرفته است. اما بلافاصله سوال دوم پیش می آید. خوب، اگر کردستان خودمختار باشد، آذربایجان و بلوچستان و غیره چرا نباشد؟ این مشکل را با تعمیم "حقوق و قدرت قومی و ملی"، تز "کثیرالملله بودن ایران"، تقسیم قدرت و بقول خودشان "عدم تمرکز" پاسخ میدهند. حالا اگر کسی مشکلی ندارد باید پیدا کند و اگر عرق ملی و قومی ندارد باید فکری بحال خود بکند! حکومت فدرال یعنی تشکیل "مملکت عربستان (خوزستان کنونی)، مملکت خراسان، مملکت بلوچستان، مملکت آذربایجان، مملکت کردستان"، و لیست این ممالک طولانی است. و البته ساده لوحی است اگر کسی فکر کند سناریوی فدرالیسم مطابق فرمولهای نوع دانشگاهی آن پیش خواهد رفت. رژیم اسلامی با رژیم شاه فرق میکند. حتی بعد از سرنگونی آن تعداد زیادی گانگستر سیاسی نظامی بجا میماند که باید توسط نیروی انقلاب از جامعه جارو شوند. در سناریوی فرضی

"اصالت خاک" یا اصالت انسان؟

سخنرانی در سمینار "ایران کجاست، ایرانی کیست؟! ..."

فدرالیسم سر و کله آخوندهائی پیدا میشود که ادعا دارند "مردم ایران مسلمان و شیعه اند!" و یا در کردستان و بلوچستان و آذربایجان آخوندهای سنی امثال مفتی زاده ادعای خودشان را خواهند داشت. اینها هر کدام "منطقه خودشان" را با به زور اسلحه اعاده میکنند. تصور اینکه فدرالیسم میتواند چه کابوسی برای مردم ایران باشد سخت نیست. هر انسان کمی مسئول، اگر بخواهد لحظه ای از تعصب قومی و ملی اش فاصله بگیرد، میتواند نتایج خونبار سیاست فدرالیسم را درک کند. فدرالیسم یعنی برسر حدود و ثغور "ممالک جدید"، برسر تقسیم مناطق، شهرها و حتی محلات، برسر هر کوه و تپه دعوا و ادعای ارضی وجود دارد و باید بیست سال دیگر مردم زیر پرچم مقتدا صدرها و میلوسویچ های ایران بجان هم بیافتند. فدرالیسم یعنی سازماندهی پاکسازی قومی.

منطق فدرالیستها اینست که بنا به تعریف جامعه ایران از "اقلیتها" و "پيروان مذاهب" و "قومیت ها" تشکیل شده است. از طرف دیگر برای جلب ناسیونالیستهای افراطی و آریائی باید راهی برای تفاهم "اقلیتها" و "قومیتها" و مذاهب" در چهارچوب "تمامیت ارضی" پیدا کنند. از این نسخه "دمکراتیک" بلافاصله ارتجاع فدرالیسم قومی و اختیارات محلی عروج میکنند. این نسخه عراقیزه کردن ایران و مبنای جنگ داخلی و کشتارها و کشمکشهای قومی و مذهبی دامنه داری است که شروع آن در ایران به فاجعه ای ختم خواهد شد که فجایع یوگسلاوی سابق در مقایسه با آن هیچ محسوب میشود. فدرالیسم شعاری ارتجاعی است که با علم و کتل "دمکراسی" قومپرستی و جنگ داخلی را تبلیغ میکند.

پاسخ آزادی است

ستم ملی باید فوراً رفع شود. ناسیونالیسم، از هر نوع آن، اولین مانع برای حل و رفع ستم ملی است. ستم ملی باید بعنوان یک واقعیت زشت پشت سر گذاشته شود. شرط این به حاشیه راندن ناسیونالیسم بعنوان یک حرکت سیاسی واپسگرا در هر دو سوی معادله است. در قوانین کشور باید زبان رسمی اجباری لغو و ممنوع شود، هر کسی باید بتواند به زبان مادری خود درس بخواند و در مناسبات اجتماعی با دیگر شهروندان معضلی نداشته باشد. دولت میتواند یک زبان را از میان زبانهای رایج کشور بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین کند، مشروط بر اینکه امکانات لازم و کافی برای کسانی که به زبانهای دیگر تکلم میکنند در تمام قلمروهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی وجود داشته باشد. این حق هر شهروند است که از تمام امکانات و ثروت اجتماعی همگانی برخوردار باشد مستقل از اینکه به چه زبانی در فعالیت اجتماعی شرکت میکند. به نظر ما باید طی دوره ای پیش بینی شده و به تدریج زبان انگلیسی بعنوان زبان آموزشی و اداری کشور مبنا قرار گیرد. آموزش انگلیسی از سنین پائین در مدارس این هدف را طی دوره ای تامین میکند. همینطور تمام قوانینی که بنحوی از انحصار برتری قومی و ملی و یا تبعیض بر اساس ملیت و قومیت را تداعی

میکند باید فوراً و بدون قید و شرط لغو شود. تبعیض نه فقط بر اساس ملیت و قومیت بلکه هر نوع تبعیضی نباید بین شهروندان جامعه وجود داشته باشد. یک شرط مهم رفع تبعیض و تامین یک شرایط آزاد و برابر برای همگان، گسست همه جانبه دولت و نظام سیاسی جامعه از قومیت، ملیت و مذهب است. مبنا برای ما نه تعلق قومی و مذهبی و ایدئولوژیکی افراد، بلکه انسان بودن و برابر بودن آنها در پیشگاه جامعه است. یک جامعه آزاد تنها میتواند روی هویت انسانی، بعنوان هویت مشترک همگانی، تکیه کند. یک جامعه آزاد در عین برسمیت شناختن تنوع انسانها، شرایط یکسانی را برای مادیت بخشیدن به استعدادها و تمایلات فردی کلیه شهروندان فراهم میکند. بعنوان انسانهای برابر و متساوی الحقوق جامعه. باید تاکید کرد که یک پایه مهم برابری شهروندان اقتصادی است. جامعه ای که اساس آن بر نابرابری اقتصادی بنا شده باشد، جامعه ای که در آن هنوز عده ای مزد میدهند و عده ای مزد میگیرند، با هر درجه برابری در مقابل قانون، نمیتواند جامعه ای آزاد باشد. نابرابری در قلمرو اقتصاد بناگزیبر نابرابری در قلمرو سیاست و قوانین را بهمراه دارد. سوسیالیسم و کمونیسم بعنوان نظامی که در قلمروهای مختلف آزادی و برابری همگان را تامین میکند، پاسخ فوری ماست.

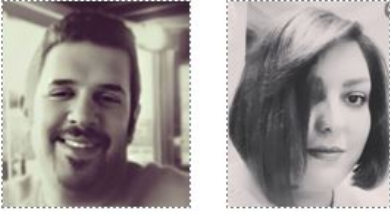
امروز بیشتر ناظران و تحلیلگران سیاسی اذعان دارند که جامعه ایران آستان یک انقلاب و تحول زیر و رو کننده دیگر است. در شرایط انقلابی تمایل به هویت ملی و قومی بدرجه بیشتری رنگ میبازد. انقلاب و افق تغییر رادیکال جامعه، پوسته مرزهای تصنعی و هویتهای کاذب ملی و قومی را کنار میزند، به جوهر انسانی و هویت جهانشمول انسانها دست میبرد و نیروی اجتماعی و طبقاتی را برای تغییرات ریشه ای سازمان میدهد. الغای هر نوع ستم و تبعیض و استثمار نقطه عزیمت مادی و اجتماعی انقلاب است. تاکید بر همسرنوشتی کارگران و مردم محروم برای امر آزادی و برابری و لغو هر نوع ستم و استثمار، کار حزب و جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری است. رژیم اسلامی یک ربع قرن مردم را با اهرم مذهب کوبیده است. نباید اجازه داد که اینبار ناسیونالیستهای رنگارنگ مردم را با اهرم ملیت و قومیت به قهقرا ببرند. هوشیاری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه نسبت به جریاناتی که میخواهند سیاست تحول ارتجاعی انسانیت به قوم پرستی را به جامعه تسری دهند لازم است. در دنیای اینها قرار است انسان انسان نباشد، ترک و فارس و کرد و بلوچ باشد، همینطور به دنیا بیاید و همینطور زندگی کند، اگر در جنگ قومی کشته نشد همینطور هم بمیرد. این سناریو بوی خون و آتش و قساوت نژادی میدهد. مردم آزادیخواه برای جلوگیری از آلوده شدن جامعه به تعصبات و جهالت ملی و قومی باید واکنش داشته باشند. راه آن مقابله ای قاطع با هر حرکت ارتجاعی و واپسگرا، پاسخ سراسر است به ستم ملی و برافراشتن پرچم آزادی و برابری است.

متشکرم.

* این سخنرانی روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۳ - ۱۹ ژوئن ۲۰۰۴ در سمینار سه روزه انجمن پژوهشگران در روزهای ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۲۰۰۴ در استکهلم سوئد صورت گرفته است. اطلاعات بیشتر از تهمای بحث:

<http://aciran.com/farsi/%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D8%AC%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%9F%D8%A7%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%8A-%DA%A9%D9%8A%D8%B3%D8%AA%D8%9F%D8%B4%D8%A8%D9%8A-%D8%A8%D9%87-%D9%8A%D8%A7%D8%AF-%D8%A7%D9%8A>

کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

جمعه های اعتراضی بلوچستان

امروز علیرغم بسیج نیروی انتظامی و سرکوب و بستن جاده و خیابان مردم در زاهدان وسیعا دست به اعتراض زدند. از شعارهای امروز زاهدان: «وکالت ما مدرن است نه فرد محور»، «سفره‌ی ما خالیه، خامنه‌ای جانیه»، «مرگ بر خامنه‌ای لعنت بر خمینی»، «فقر و فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر بسیجی»، «مرگ بر سپاهی»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» بودند. دیشب نیروهای سرکوب تعدادی از جوانان را بازداشت و ربودند و امروز در زاهدان و اطراف مسجد مکی با معترضین درگیر شدند و تعدادی را بازداشت کردند.

تداوم اعتراض کارگران پتروشیمی بندرماهشهر

روز چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱ کارگران شاغل در پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود برای چهارمین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی زدند. از جمله اعتراض کارگران این پتروشیمی در ماه‌های گذشته به اقدام این شرکت مبنی بر قرار دادن وضعیت و انتقال ۳۰۰ نفر از پرسنل زیر نظر شرکت عملیات غیرصنعتی بندر ماهشهر بوده است. این انتقال نیرو و وضعیت به پیمانکاری‌ها موجب حذف برخی مزایا مانند پاداش تولید و کاهش دریافتی کارگران شده است.

اعتراض کارگران شرکت پتروشیمی چوار ایلام به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی

کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام نسبت به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل اعتراض دارند. نمایندگان این کارگران که تعداد آن‌ها حدود ششصد نفر است، می‌گویند: علیرغم بیش از یکسال و نیم انتظار، هنوز طرح طبقه‌بندی برای ما اجرایی نشده است و امیدوی به اجرا شدن هم نداریم. این کارگران که از سطح پایین دستمزد و مزایای مزدی خود انتقاد دارند؛ می‌گویند: به هر نهادی که فکرش را بکنید مراجعه کرده‌ایم، اما بی‌نتیجه بوده است؛ با رئیس اداره کار استان ایلام صحبت کردیم، چندین بار به اداره کار استان رفتیم، با مدیرعامل پتروشیمی صحبت کردیم، اما جوابمان کردند. به گفته این کارگران، پیش از این مسئولان پتروشیمی قول داده بودند برای گروهی از کارگران طبقه بندی مشاغل اجرایی می‌شود (برای آن‌هایی که از ابتدای ساخت پتروشیمی مشغول بوده‌اند) اما بعد گفته‌اند تعدادتان زیاد است و امکان‌پذیر نیست! مدام امروز و فردا می‌کنند.

تجمع اعتراضی پرسنل بیمارستان خمینی اهواز

روز چهارشنبه ۵ بهمن پرسنل بیمارستان خمینی اهواز با برگزاری جمعی به وضعیت نامطلوب سرویس‌های ایاب و ذهاب و تاخیر ده

ماهه در پرداخت کارانه‌های خود اعتراض نمودند. تجمع کنندگان بعد از حضور سعید آزنده معاون توسعه و علی نجفی مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اهواز در بیمارستان خمینی ضمن هو کردن این افراد شعار "مسئول بی کفایت نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم" سر دادند.

اعتراض کارگران شهرداری یاسوج به عدم پرداخت حقوق معوقه

کارگران پیمانی شهرداری یاسوج می‌گویند: با اینکه ۱۷ تا ۱۸ سال سابقه کار دارند اما بین ۴ تا ۵ ماه از مطالبات خود را از کارفرما دریافت نکرده‌اند. یکی از این کارگران گفت: با وجود پیگیری مداوم برای دریافت مطالبات خود، هنوز هیچ مسئولی پاسخگوی آنها در شهرستان نیست. او افزود: کارگران شهرداری به دنبال وصول مطالبات و مشخص شدن وضعیت شغلی خود هستند چرا که بی‌پولی و سرگردانی آنها، مشکلاتی را برای خانواده‌های آنها ایجاد کرده است. این اضافه کرد: انتظار داریم مسئولان شهرستانی و اعضای شورای شهر یاسوج در حمایت از کارگران شهرداری به موضوع مشکلات آنان ورود کنند تا همه مطالبات کارگران پرداخت شود.

مطالبات مزدی کادر درمان در اهواز

نظام پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با انتشار نامه‌ای خطاب به استاندار خوزستان از مطالبات مزدی کادر درمان خبر داد. در این نامه مواردی همچون کمبود شدید نیرو در قیاس با سایر استانها (هر پرستار اهوازی بجای سه پرستار در کشور خدمت رسانی می‌کند) و کسری از ساعات اضافه کاری واقعی با تاخیر چند ماه (آخرین پرداختی مرداد ماه) ذکر شده است. همچنین در این نامه آمده است درحالی که بسیاری از استانها در پرداخت کارانه اختلاف دو یا سه ماه دارند ولی در دانشگاه اهواز آخرین پرداختی کارانه فروردین ۱۴۰۱ صورت گرفته است. همچنین هزینه بسیار ناچیز حق لباس و مسکن در حالی که در کلانشهرها حق مسکن ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان ولی اهواز ۱۰۰ هزار تومان تعیین شده است. در این نامه به عدم اجرای صحیح قانون ارتقا بهره وری نیز اشاره شده است.

کارگران شهرداری خاش از معوقات مزدی خود خبر دادند

کارگران شهرداری خاش حقوق ماه‌های آذر و دی ماه خود را طلبکارند. عیدی کارگران نیز در سه، تا چهار سال گذشته همانند کارکنان دولت پرداخت شده و پرداخت حق بیمه هر چند ماه یکبار با مشکل همراه است. حدود ۳۰۰ کارگر در مجموعه شهرداری خاش به صورت قرارداد مستقیم مشغول کارند که علاوه بر دریافت حداقل حقوق از اضافه کار و برخی مزایای قانونی، عرفی و مناسبتی هم محروم هستند. کارگران شهرداری خاش از مزایای سختی کار و طرح طبقه‌بندی مشاغل هم محروم هستند و هر زمان پیگیر پرداخت مطالبات خود از

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

مسئولان شدند، بجای چاره‌اندیشی از ما کارگران می‌خواهند شرایط و وضعیت بی‌پولی شهرداری را درک کنیم.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خوزستان مقابل استانداری

روز یکشنبه ۲ بهمن ماه ۱۴۰۱، جمعی از کارگران شرکتی شاغل در مجموعه شهرداری های خوزستان، در مقابل ساختمان استانداری واقع در اهواز، دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع این کارگران در اعتراض به عدم تحقق وضعیت استخدامی خود از سوی مسئولان و دیگر مطالبات خود صورت گرفته است.

تجمع اعتراضی کارگران برق کشور مقابل ساختمان وزارت نیرو

روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ جمع‌هایی از کارگران ادارات برق کشور در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات و مطالباتشان مقابل ساختمان وزارت نیرو دست به تجمع زدند. اعتراض این کارکنان به عدم پرداخت دستمزد کافی و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، سختی کار، جمعه کاری، حق جذب و دیگر مشکلاتشان می‌باشد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرستان شوش

روز یکشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱، جمعی از بازنشستگان شهرستان‌های شوش، هفت تپه، کرخه و حر مقابل سازمان تأمین اجتماعی شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند. مطالبات این بازنشستگان بشرح ذیل است: ۱- اجرای ۲۵ درصد متناسب‌سازی سال ۱۴۰۰. ۲- اجرای متناسب‌سازی سال ۱۴۰۱. ۳- پرداخت عیدی کارگری به بازنشستگان. ۴- اجرای ماده ۸۹ تأمین اجتماعی و درمان رایگان. ۵- اجرای انتخابات کانون بازنشستگان شهرستان. ۶- عدم واگذاری بانک رفاه در قالب اصل ۴۴.

تجمع اعتراضی کارگران و بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه سوم بهمن ۱۴۰۱ کارگران و بازنشستگان مخابرات چهارمحال و بختیاری، خراسان، اردبیل، لرستان، یزد اصفهان، تهران، کردستان، کرمانشاه و گیلان در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات و فریز کمک هزینه‌های رفاهی مقابل استانداریها و اداره مخابرات استانها تجمع برپا کردند.

تجمع معلمان بازنشسته مقابل وزارت آموزش و پرورش

روز دوشنبه ۳ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ جمع‌هایی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌ها و مشکلاتشان، مطابق فراخوان از پیش اعلام شده مقابل ساختمان این وزارتخانه دست به تجمع زدند.

مرگ و مصدومیت ۸ کارگر از جمله یک کودک کار در قزوین

روز چهارشنبه ۲۸ دی ماه ۱۴۰۱، انفجار کپسول گاز در ساختمان نیمه کاره در قزوین موجب مرگ و مصدومیت ۸ کارگر از جمله یک کودک

کار شد. حسن اسماعیلی، رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث استان قزوین گفت: «ساعت ۱۹ امروز طی تماسی با واحد ارتباطات مرکز فوریت های پزشکی قزوین، گزارشی مبنی بر انفجار کپسول به دنبال نشت گاز در ساختمانی نیمه کاره واقع در شهرک مهرگان دریافت و تیم اورژانس به محل حادثه اعزام شدند.» وی در ادامه با بیان اینکه «در این حادثه ۸ تن که از اتباع کشورهای همسایه بودند مصدوم شدند» افزود: «دو تن از این مصدومان که یک آقای ۴۶ ساله و نوجوان ۱۶ ساله بودند که به علت شدت جراحات وارده و سوختگی شدید فوت کردند.» این مقام مسئول در ادامه اعلام کرد: «شش مصدوم دیگر این حادثه دچار سوختگی درجه ۲ شده بودند که توسط آمبولانس اورژانس به بیمارستان رجایی منتقل شدند.»

دو کارگر در کرج قربانی حادثه کاری شدند

طی روزهای ۲۹ و ۳۰ دی دو کارگر در استان البرز حین انجام کار جان خود را از دست دادند. یکی از آنها کارگر ساختمانی بود و دیگری هم مقنی. بنا بر گزارش منتشرشده در حادثه‌ای که به مرگ کارگر ساختمانی در فرعیس کرج انجامید، یک کارگر ۲۹ ساله از بلندی یک ساختمان در دست ساخت سقوط کرد و جانش را از دست داد. هویت این کارگر هنوز اعلام نشده است. روز ۲۹ دی ماه نیز یک کارگر چاهکن در منطقه اعلان تپه چهارباغ کرج به دلیل ریزش دیواره‌های چاه در حال حفر، زیر آوار ماند. تلاش نیروهای امدادگر برای نجات این کارگر ۲۷ ساله بی‌ثمر ماند و آن‌ها تنها جسم بی‌جان او را از چاه بیرون کشیدند.

باناه: سرما جان یک کودک کولبر دیگر را گرفت

یک کودک کولبر به نام هیوا اختیارالدینی ۱۶ ساله در حین کولبری در مرز باناه در اثر سرمازدگی جانباخت. به گفته یک منبع مطلع، هیوا اختیار الدینی اهل بخش آرمده باناه به دلیل تاریکی هوا مسیر را گم کرده و از دوستانش جدا شده و در نهایت جانباخته است.

تجمع خانواده ها و بستگان زندانیان محکوم به اعدام در تهران

از روز شنبه ۱ تاروز چهارشنبه ۵ بهمن ماه ۱۴۰۱، تعدادی از خانواده ها و بستگان زندانیان محکوم به اعدام در تهران، مقابل ساختمان قوه قضاییه دست به تجمع اعتراضی زدند. خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام زندان قزلحصار و زندان مرکزی کرج، با در دست داشتن پلاکاردهایی با محتوای «اعدام نکنید» و سر دادن شعارهایی، خواستار توقف اجرای حکم اعدام شدند. روز چهارشنبه با یورش وحشیانه نیروهای امنیتی به تجمع مدقابل زندان قزلحصار کرج تعدادی زخمی و مصدوم شدند.

اتهام محاربه برای کارگران رستوران «تراس» لواسان

یازده کارگر رستوران تراس لواسان که بیش از دو ماه پیش بازداشت شدند، اخیرا ۵ نفر از آن‌ها به محاربه متهم شده‌اند. بنابر خبرهای منتشرشده، ۴ نفر از این افراد با نام‌های «علی جهانگیری، ۲۵ ساله و سرآشپز»، «مهدی شیرانی، ۲۶ ساله و آشپز»، «سینا محمدرضایی، ۲۷ ساله و آشپز» و فرد چهارم به نام «احمد» در بند ۲۰۹ اوین به سر می‌برند و با اتهام محاربه روبرو شده‌اند. نفر پنجم یک تبعه افغانستانی بنام «قدرت مبارز» است که به زندان قزلحصار منتقل

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

شده، او در رستوران کار شستن ظروف غذا را انجام می‌داده است.

بازداشت چند کارگر کارخانه سیمان برای پست اینستاگرامی

شماره‌ای از کارگران کارخانه سیمان شمال با اتهاماتی چون تشکیل دسته و گروه جهت براندازی و تبلیغ علیه نظام در چهار ماه گذشته بازداشت، احضار و بازجویی شده‌اند. هادی شکاری یکی از کارگران این کارخانه و از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری با وثیقه پنج میلیارد تومانی آزاد شده، اما بازداشت میثم ابراهیمی، کارگر دیگر که با اتهام تبلیغ علیه نظام، شرکت در اعتراضات و تحریک کارگران برای شرکت در تظاهرات مواجه شده پس از ۳.۵ ماه همچنان ادامه دارد. در گزارشات منتشر شده دستکم از شش کارگر دیگر کارخانه سیمان شمال نام برده که با پرونده‌سازی حراست این واحد صنعتی، احضار و با اتهاماتی چون تشکیل دسته و گروه جهت براندازی و تبلیغ علیه نظام مواجه شده‌اند و از جمله مصادیق این اتهامات، انتشار چند استوری یا پست اینستاگرامی عنوان شده است. به گفته یکی از کارگران این کارخانه، از جمله پست‌های منتشر شده توسط همکاران او، انتشار یک بیت شعر از حافظ و منتشر کردن عکسی از میدان آزادی، بدون کپشن و هشنگ بوده است. کارگران کارخانه سیمان شمال، دو به دو احضار، بازجویی و تفهیم اتهام شده‌اند و برای آزادی موقت آن‌ها وثیقه‌های سنگین خواسته شده است.

۱۴ نفر از زندانیان سیاسی زیر حکم اعدام قرار دارند

کامبیز خروت، شعیب میربلوچ زهی ریگی، منصور دهمرده، ابراهیم نارویی، مهدی محمدی فرد، عرشیا تکدستان، جواد روحی، صالح میرهاشمی، مجیدکاسمی، سعید یعقوبی، محمدقیادلو، مهدی بهمن، منوچهرمهمان‌نواز و محمد بروغنی. طی دو ماه گذشته، حاکمیت سیاه اسلامی، جان ۴ نفر از جوانان شریف و معترض به نام‌های «مجید رضارهنورد»، «محسن شکاری»، «محمدحسینی» و «محمد مهدی کرمی» را ستاند. صدای زندانیان سیاسی و زندانیان محکوم به اعدام باشیم.

محکومیت سهیلا مطاعی، فعال حقوق زنان به حبس

سهیلا مطاعی، فعال حقوق زنان توسط شعبه دو دادگاه فرمایشی دهگلان به تحمل ۳ سال و ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

محکومیت علیرضا خوشبخت، روزنامه‌نگار به ۶ سال حبس

علیرضا خوشبخت، روزنامه‌نگار توسط شعبه ۲۹ دادگاه کذایی تهران به ۶ سال حبس محکوم شد که در صورت تأیید در مرحله تجدید نظر، ۵ سال آن قابل اجرا خواهد بود.

بازداشت پسرخاله‌های خدانور لجه‌ای

بنا به گزارش‌های منتشر شده، همزمان با ایجاد جو امنیتی در زاهدان، ابراهیم و خالد لجه‌ای، پسرخاله‌های خدانور لجه‌ای از جانب‌اختگان جمعه خونین زاهدان، با یورش نیروهای امنیتی در منزل خود بازداشت شدند.

اجرای حکم یک سال زندان کامیار فکور

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران: حکم یک‌سال حبس کامیار فکور، خبرنگار خبرآنلاین و ترانه سرا که در جریان اعتراضات سراسری از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده بود به اجرا درآمد. روز پنجشنبه ۲۹ دی‌ماه وبسایت نویسندگان ایران به نقل از نزدیکان آقای فکور گزارش داد این روزنامه‌نگار از بابت اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد برهم‌زدن امنیت ملی» که سال گذشته و بخاطر فعالیت‌های هنری‌اش محکوم شده بود، برای اجرای حکم یک سال زندان به بند ۸ زندان اوین منتقل شده است. براساس این گزارش، کامیار فکور که در پانزدهم آبان‌ماه به همراه همسرش بازداشت شده بود، منتظر صدور حکم جدید در شعبه ۱۵ دادگاه فرمایشی تهران به ریاست جانی صلواتی است.

فرید پژوهی از آبان ۹۷ ناپدید شده است

فرید پژوهی دانشجوی ۲۵ ساله اهل مریوان در تاریخ ۹۷/۸/۷ آبان‌ماه در شهر مریوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. با توجه به پیگیری‌های مکرر خانواده فرید پژوهی و درخواست از مقامات دولتی نسبت به وضعیت فرزندشان در زمان دستگیری به آن‌ها گفته شده که در اداره اطلاعات شهر مریوان بازداشت شده است اما بعد از آن منکر بازداشت وی شدند و از آن زمان تا به حال هیچ‌گونه خبری از وی در دسترس نیست.

ممنوعیت از حضور در محل کار زینب مولایی‌راد مادر کیان پیرفلک

روز شنبه مورخ یک بهمن ۱۴۰۱ خانم زینب مولایی‌راد مادر کیان پیرفلک در هنرستان فاطمیه شهرستان ایزه (محل خدمت ایشان) حضور داشتند که به ایشان گفتند به حراست اداره مراجعه کنند بعد از مراجعه به او گفتند تا اطلاع ثانوی حق رفتن به مدرسه را ندارد.

یک خبرنگار دیگر بازداشت شد

ملیکا هاشمی، خبرنگار خبرگزاری شهر بازداشت شد. روزنامه شرق در حساب توئیتری خود با اعلام این خبر نوشته است: «او امروز برای ارائه توضیحات به دادسرای اوین رفته بود که همانجا بازداشت شد.»

فرهاد شیخی بازداشت شد

فرهادشیخی از فعالین کارگری روز شنبه اول بهمن‌ماه پس از یورش ۱۰ نفر از مأموران امنیتی به منزلش بازداشت و به زندان رجائی‌شهر منتقل شده است. فرهاد شیخی پیشتر و در جریان تجمع روز جهانی کارگر سال ۹۸ در مقابل مجلس نیز دستگیر شده بود.

پیمان سالم به سه سال حبس محکوم شد

بر اساس حکمی که اخیراً توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست محمدرضا عموزاد صادر و به پیمان سالم ابلاغ

در اجتماع همبستگی با خیزش انقلابی و جنبش کارگری ایران در لندن شرکت کنید

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

تجمع اعتراضی و جلسه همبستگی

با مبارزات انقلابی مردم و جنبش کارگری در ایران

اهداف کمیته "همبستگی با جنبش کارگری در ایران" به ریاست جان مک دانل نماینده جناح چپ در پارلمان انگلیس، ارائه و گردآوری اطلاعات در مورد مبارزات مردم در ایران، حمایت و همبستگی با آنها علیه نقض حقوق بشر، و همچنین تسهیل ارتباط مستقیم بین تشکل های کارگری در بریتانیا و ایران می باشد.

چهارشنبه ۸ فوریه ۲۰۲۳:

تجمع در میدان پارلمان، از ساعت ۴ تا ۵ بعدازظهر

جلسه سخنرانی در ساختمان پارلمان، از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر

تماس و اطلاعات بیشتر:

<https://SWIW.org>

۰۷۴۸۸۸۶۸۴۶۶, ۰۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱, ۰۷۷۲۰۲۹۱۵۱۶



RALLY & MEETING

IN SOLIDARITY WITH THE REVOLUTIONARY UPRISING
AND WORKERS' MOVEMENT IN IRAN

The aims of the Committee, chaired by John McDonnell MP, are to provide briefings and information on people's struggle in Iran, mobilise support and solidarity with the revolutionary uprising and against rights violations and facilitate direct links between workers' organisations in the UK and Iran.

Wednesday 8th February 2023:

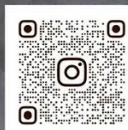
Rally at Parliament Sq, 4-5 PM

Meeting in the Parliament, 5-7 PM

Further info:

<https://swiw.org/>

07488868466, 07719166731, 07720291516



شده، وی از بابت اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" به تحمل سه سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی، محکوم شده است.

محمدرضا علیجانی از فعالین معلمان مشهد بازداشت شد
محمدرضا علیجانی، دبیر دبیرستان های مشهد و گلپهار، در جریان دستگیری های گسترده اخیر روز شنبه یکم بهمن ماه ۱۴۰۱، پس از احضار به دادسرای مراجعه کرده و در همانجا بازداشت، و سپس به زندان وکیل آباد منتقل شدند.

بازداشت سه عضو یک خانواده در مریوان
دو برادر به نام های کمال کیانی و عمرکیانی و برادرزاده آنها به نام آرام کیانی توسط نیروهای اطلاعات در مریوان بازداشت شدند. از دلایل بازداشت آنها اطلاعی در دست نیست.

بازداشت برادران هیمن حمزه
روز سه شنبه ۴ بهمن ساعت ۵ صبح افراد مسلح به خانه هیمن حمزه از جانبختگان سردشت یورش برده و ۳ برادر او را با نام های آزاد حمزه، عبدالله حمزه و محمد حمزه را به سختی مجروح کردند. قابل ذکر است که هر سه این مجروحان را برای مداوا به بیمارستان این شهر منتقل کرده اند.

ضرب و شتم عباس واحدیان شاهرودی در زندان وکیل آباد مشهد

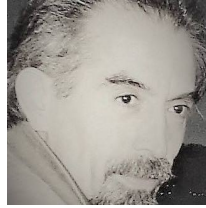
عباس واحدیان شاهرودی، نویسنده و فعال مدنی محبوس در زندان وکیل آباد مشهد، در پی اعتراض به شرایط نامناسب موجود، روز شنبه ۱ بهمن ماه توسط مسئولین زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفت که در نتیجه آن از ناحیه چشم و فک دچار آسیب شد. وی همچنین برای اعمال فشار مضاعف برای دو هفته از امکان برقراری تماس تلفنی با خانواده خود محروم شده است.

محکومیت سارا سیاهپور به زندان
سارا سیاهپور فعال صنفی معلمان تهران به ۶ سال زندان، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۲ سال محرومیت از فعالیت های صنفی و قانونی محکوم شده است.*

مرک بر حکومت اعدام!

در حاشیه افتضاح #وکالت_میدهم

سیاوش دانشور



ماوقع را همه میدانند. رسانه و سلبریتی و پول و تطمیع بسیج شدند تا به رضا پهلوی #وکالت بدهند. و حالا رای تان را بشمارید، کمتر از نیم درصد جمعیت واجد رای. مفسران و تحصیلکردگان و ژورنالیست های نان به نرخ روز خور بسیج شدند تا یکبار دیگر فرهنگ دستیبوسی و بیعت را در متن یک خیزش انقلابی جاری کنند. هشیاری سیاسی کمونیست ها و آزادیخواهان این پروژه منحوس را در نطفه سقط کرد. افتضاح «وکالت میدهم» به جنگ امروز «اهل بیعت و ائتلاف» انجامیده است. جامعه فهیم و قرن بیست و یکمی ایران، طرح بیعت را توی صورت تان کوبید.

نتایج دیگر هم داریم که نباید از نظر دور بمانند:

۱. شکست مکرر «امروز فقط اتحاد»

شعار محوری رضا پهلوی برای چندمین بار مفتضحانه شکست خورد. برای هر تازه وارد به سیاست معنای عملی این شعار معلوم شد. فاشیستها و فالانژها و ساواکی ها افسار پاره کردند. چه «اتحاد» پرشکوهی!

۲. شکست مکرر سیاست «همه با هم»

«همه با هم» بیان دیگری از «امروز فقط اتحاد» و «وحدت کلمه» خمینی است. پوپولیسم راست و چپ یک سیاست دارند و هر کدام بخشی از مخاطبین را با زبان و ادبیات ویژه خود میپوشانند. هشیاری سیاسی، واقعیات اجتماعی و ناهمخوانی جامعه با این سیاستهای ارتجاعی، کمر پوپولیسم را شکست.

۳. سلبریتی و سیاست

یک سلبریتی لاید از آنرو سلبریتی شده که در کار خود موفق بوده است. در سیاست سلبریتی ها در سطح اکابر هم ظاهر نشدند. این توهم که فالاور با تو بیعت کرده و انتخابش تابعی از مزاج سیاسی شماست، همان نگاه شاه به رعیت و برسمیت نشناختن استقلال فردی و عقل و شعور انسانهاست. ظرفیت سیاسی برخی از سلبریتی ها و فرهنگ واپسگرایی آنها روئیت شد؛ سلبریتی های درباری!

طرح های سیاسی رضا پهلوی هر بار در زمان کوتاهتری شکست میخورد و هر بار بی ربطی آنها به روندهای واقعی جامعه و تمایلات مردم بیش از پیش روشن میشود. این شکست مشمول مونتلفین تاکتیکی از جمهوریخواه و ملی اسلامی تا دگراندیش و پوپولیست هم میشود. در ایران سنت تحزب و مسئولیت داشتن در سیاست ضعیف است. حداقل انتظار در غرب از سیاستمدار مسئول اینست که مسئولیت پذیر باشد و با چنین اشتباهات مهلکی کنارگیری کند.

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

آدرسهای تماس با حزب
کمونست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

parvin.kaboli@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!